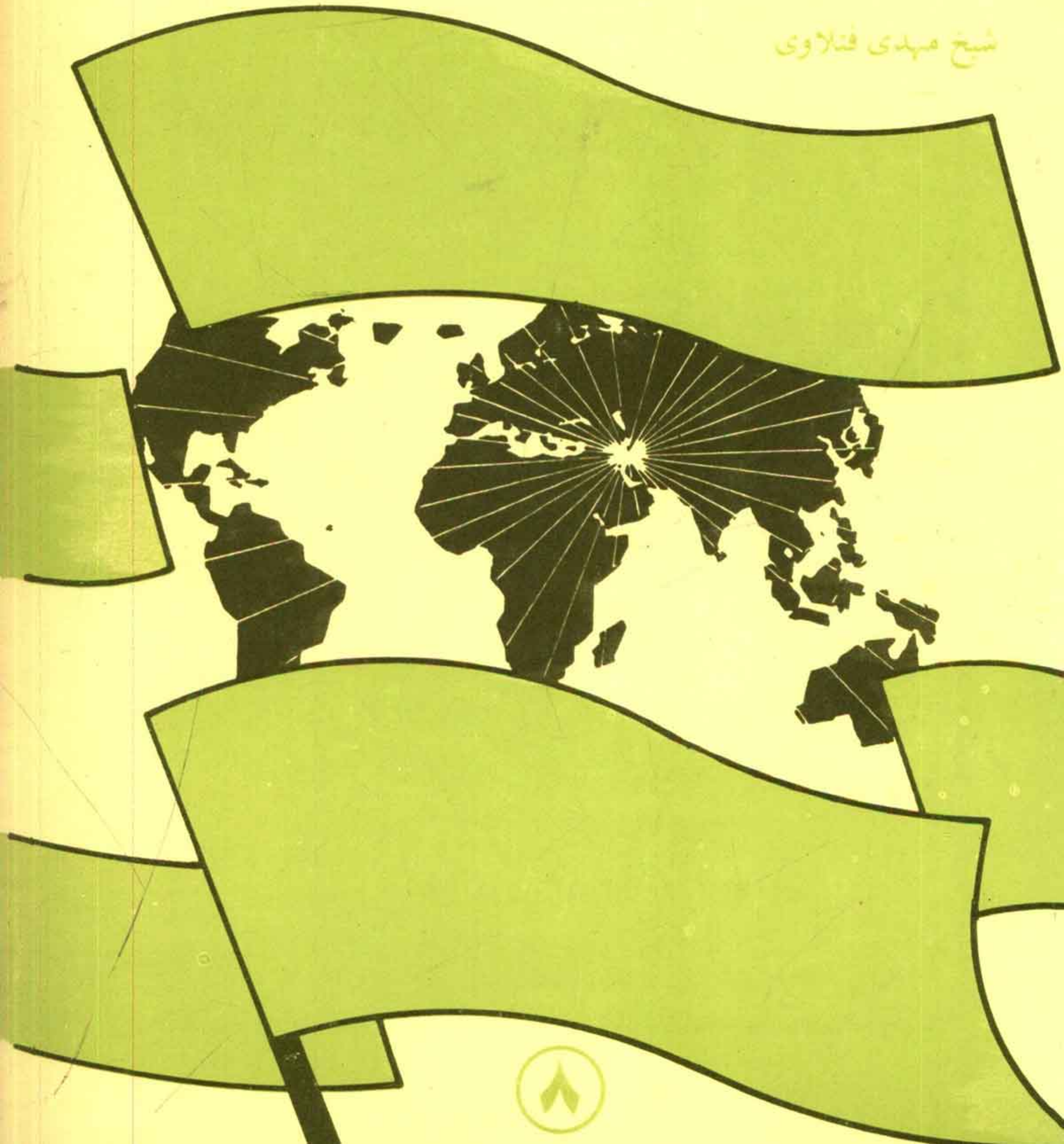


زمینه سازان

حکومت امام زمان (عج)

دراخبار اهل سنت

شیخ مهدی فتلاوی



زمینه سازان

حکومت امام زمان (عج)

در اخبار اهل سنت

نویسنده: شیخ مهدی فتلاوی

- اسم کتاب: زمینہ سازان حکومت امام زمان (عج)
- نویسندہ: شیخ مهدی فتلاوی
- ترجمہ: نشر توحید
- ناشر: نشر توحید
- حروفچینی: مؤسسہ سلطانی
- چاپخانہ: خواندنیہا
- تیراژ: ۳۰۰۰ / جلد
- سال انتشار: چاپ اول ۱۳۶۶ هـ . ش

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
 لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ
 قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ
 وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي
 لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا».*

* یعنی: «خداوند به کسانی که از شما ایمان آورده، عمل صالح انجام داده‌اند، وعده نموده است که آنها را در روی زمین جانشین خواهد کرد، چنانکه پیشینیان را جانشین نمود. و آنها را از دینی که برای آنها پسندیده متمکن خواهد نمود و پس از ترس به آنها آرامش خواهد داد، مرا خواهند پرستید و چیزی را شریک من قرار نخواهند داد.»
 (سوره نور، آیه ۵۵)

يَخْرُجُ نَاسٌ مِّنَ الْمَشْرِقِ فَيُؤْطَوْنَ لِلْمَهْدِيِّ سُلْطَانَهُ»*

«حدیث نبوی»

* یعنی: مردمی از مشرق زمین بر می‌خیزند که زمینه را برای حکومت حضرت مهدی (عج) فراهم می‌سازند. (الحاوی للفتاوی)، جلد ۲ صفحه ۶۰).

پیشگفتار

آنچه می‌خوانید متن نام‌ایست که نگارنده در پاسخ پرسشهای یک دانشجوی مسلمان از اروپا که پیرامون انقلاب اسلامی نوشته و ارسال نموده است.

نگارنده پس از ترتیب و تنظیم یادداشتهای خود یکبار دیگر آن را مورد مطالعه قرار داد و به نظرش آمد که اگر این نوشتار را چاپ و منتشر سازد، منتظران ظهور یکتا مصلح غیبی حضرت بقیة الله (عج) را در تحکیم مبانی عقیدتی شان سودمند خواهد افتاد.

هنگامی که گروهی از برادران ایمانی از نگارش این یادداشتهای مطلع شدند، به لزوم نشر آن تأکید کرده، نویسنده را تشویق و ترغیب نمودند.

اینک این نوشته را بدون هیچ تغییری منتشر می‌کنم، تنها از نام دانشجوی فوق‌الذکر خودداری می‌کنم، زیرا ممکن است به افشای نام، راضی نباشد. از خوانندگان گرامی انتظار می‌رود که از نارسائی‌ها و نقایص این نوشتار چشم‌پوشند چون در سطح یک نامه‌خصوصی نوشته شده، نه نوشته‌ای برای همگان.

از دیگر سو، این نوشته یکی از مهمترین مسائل سیاسی — اجتماعی دنیای معاصر را در بر دارد، که آن قیام مردم مسلمان ایران و حرکت آنها به سوی تشکیل حکومتی است که زمینه‌ساز دولت حقّه

حضرت بقیة اللہ (عج) باشد، چنانکه احادیث واصله از پیامبر اکرم (ص) را در همین رابطه از کتب اهل سنت در این نوشته می‌خوانید.

روش ما در نگارش این نوشتار:

۱ - تلاش ما در این نوشته، در حد امکان رعایت اختصار بود، زیرا طرف خطاب ما یک دانشجوی مسلمانی است که برای ادامه تحصیل رهسپار مغرب زمین شده، و سال تحصیلی اش تازه آغاز شده است. از این رهگذر تراکم درسها و کمی وقت و امکانات او را در نظر گرفته ایم.

۲ - به همین دلیل سند احادیث را حذف کردم، فقط نام راویانی را که بدون واسطه از رسول اکرم (ص) نقل کرده‌اند در این نوشته درج نمودم، که پژوهشگران می‌توانند به متن منابعی که در پاورقی اشاره شده، مراجعه کنند.

۳ - متن احادیث را به شکلی تنظیم کردم که نیازی به شرح و تفصیل ندارند، زیرا آنها را بر حسب تسلسل موضوعی ترتیب دادم که احادیث هر فصلی بیانگر احادیث فصل پیشین است و نتیجه‌گیری از آنها را به عهده خواننده گرامی نهاده‌ام.

۴ - در بخشهای بنیادی و عقیدتی منحصرأ از کتب اهل سنت نقل کرده‌ام ولی در بخشهای بعدی که جنبه شرح و تفسیر دارند از کتابهای شیعه نیز بهره برده‌ام.

از خدای تبارک و تعالی می‌خواهم که کردار ما را فقط در راه رضایت خود قرار داده و آن را به نیکوترین وجهی قبول فرماید، که سپاس و ستایش در هر حالی از آن اوست.

«حوزة علمية قم»

«مهدی فتلاوی»

متن نامه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

خدمت برادر هم کیش و همرزم.....

امیدوارم که این نامه هنگامی به دست شما برسد که وجود نازنین در کمال صحت و عاقبت بوده، در پایتخت فرانسه و در آن لجنزار غرب در مسائل دینی و تحصیلی درتلاشی مستمر و کوششی مداوم بوده باشید. از خدای تبارک و تعالی می‌خواهم که بر توفیقات آن عزیز بیافزاید تا در آن سرزمین غربت که معیارهای اخلاقی و انسانی از آن دیار رخت بر بسته، بر ایمان و استقامتش افزوده و علی‌رغم محیط فاسد فرانسه بیش از پیش با سلاح ایمان و تقوی مسلح شود. برادر گرامی، تو خود را در میدان پیکار و نبرد غریب و تنها مپندار که دست حق به همراه تست:

« وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا »^۱.

یعنی: آنانکه در راه ما تلاش کنند، ما آنها را به راههای خود

رهنمون می‌شویم.»

«إِنَّ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ».^۲

یعنی: اگر خدا را یاری کنید، او نیز شما را یاری می‌کند و گامهای شما را استوار می‌سازد».

برادرم! تو خود را در آن منجلاب فساد تنها مپندار که خداوند یار و یاورتست. کسیکه خدا با او باشد هرگز تنها نیست. اگر چه در اعماق دریا و در دل ماهی باشد.

برادرجان! تو هرگز مسئولیت خود را در برابر انقلاب اسلامی خود در ایران فراموش مکن، که مسئولیت دفاع از این بینش نوبنیاد در برابر دشمنان، به عهده تو و دیگر برادرانت در آن سرزمین می‌باشد، بر شماست که بانگ رسا و زبان گویای نهضت اسلامی در آن دیار باشید.

تلاشهای پی‌گیر منافقین و مارقین — در فرانسه و دیگر کشورهای غربی از قبیل خائنینی چون بنی صدر و امثال وی — که موجب خشم آن عزیز شده، ترا غمگین نسازد که اگر تمام دنیا برای ساقط کردن یک قیام الهی همدست شوند، تا وقتی که نظر خدا روی آن باشد هرگز توانی نخواهند داشت. آری تا روزیکه امت پپاخاسته‌ای به احکام عالیه اسلام پای بند باشند و از خط مستقیم اسلام راستین منحرف نشوند و از فیوضات پیشوایان معصوم (ع) که تمام عمر خود را در مبارزه با ظلم و ستم، و رویا رویی با طاغوت‌های زمان از ستمگران بنی امیه و بنی عباس سپری کردند، برخوردار باشند، شکست ناپذیرند. امت مسلمان و قهرمان ما به پیروی از روحانیت اصیل و مبارز که هرگز در آستان پادشاهان گام نسپردند و با زمامداران ستمگر سرسازش نداشتند، از الطاف بیکران حق تعالی برخوردارند و از هیچ ابر قدرتی بیم و هراسی بدل راه نمی‌دهند. آمریکا با آن همه قدرت جهتمی‌اش نتوانست در اراده امت ما تزلزل ایجاد کند، سرسپردگان بزدلی که در میان دیوارهای امنیتی از اربابان امپریالیستی الهام می‌گیرند، هرگز نمی‌توانند ما را از انقلاب اسلامی خود منصرف سازند. که ما به پیروی از

۲ — محمد (ص): ۷.

رهبر کبیر خود می‌رویم پرچم پیروزی را بر فراز کاخهای ستمگران به اهتزاز
در آوریم.

این حدیث شریف را که «نعیم بن حماد مروزی» از علمای اهل
سنت در کتاب «الفتن» از امام حسن مجتبی (ع) نقل کرده است، به
دقت بخوان که می‌فرماید:

«پیامبر گرامی اسلام (ص) از بلاها و گرفتاریهای اهل بیت خود
سخن گفت و فرمود: تا هنگامی که خداوند پرچم سیاهی را از مشرق زمین
به اهتزاز در آورد که هر کس آن را یاری کند خداوند او را یاری کند و هر
کس آن را زبون سازد، خداوند او را زبون می‌سازد، تا به نزد مردی آیند که
همنام منست، زمام امورشان را به دست او بسپارند و خداوند او را یاری
نماید و پیروزش گرداند».^۳

آری چقدر تیرهای مسموم از دشمنان داخلی و خارجی به سوی این
انقلاب اسلامی پرتاب گردید که خداوند آنها را به سوی خودشان
بازگردانید و امت ما را از شر آنها حفظ نمود. از تو سؤال می‌کنم: آنها که
در برابر این انقلاب اسلامی نقشه کشیدند و توطئه نمودند کجا رفتند؟!
دورویان و دغلبازان چه شدند؟! حيله‌ها و نقشه‌های شومشان چه شد؟!
خواستند نام خدا را خوار سازند که خداوند خوار و سرنگونشان ساخت، که
شعار لَإِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، بلند و جاودانه است و حق همیشه پیروز و تلاش برای
اعلای کلمه حق شکست ناپذیر است.

بنابر این ترس و اندوه به خود راه مده که خدا با ماست. اگر ما
مؤمن حقیقی باشیم، مشمول این آیه شریفه می‌شویم که می‌فرماید:

«وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ
مُؤْمِنِينَ».^۴

۳ - عقد الدرر، صفحه ۱۳۰ و الحاوی للفتاوی جلد ۲ صفحه ۶۹.

۴ - آل عمران: ۱۳۹.

یعنی: «سست مشوید و اندوهگین نباشید که شما برترید، اگر مؤمن باشید».

این یادداشتهایی که خدمت شما تقدیم می‌گردد گلی چند از گلزار نبوت، و نمونه‌ای اندک از فرمایشات گهربار رسول اکرم (ص) پیرامون این حکومت مقدس اسلامی است که در چند بخش تنظیم کرده، قسمت‌هایی را برای تو شرح داده‌ام. این نوشته را از کتابهای برادران اهل سنت یادداشت کرده و خدمتت می‌فرستم تا دلت آرام و زبان‌ت گویا و حجتت استوار گردد. امیدوارم آن را با دقت مطالعه کنی که پاسخ پرسش‌هایت را در آن می‌یابی.

و در پایان.....

در مورد ابلاغ سلامهای گرم و درودهایت به پیشگاه رهبر کبیر انقلاب، بسیار شرمندهام که اکنون چنین امکانی برای من فراهم نیست و در حال حاضر برایم غیر ممکن است. امیدوارم که مرا معذور بداری و به جای آن در نیایشهای خود برای پیروزی اسلام و مسلمین و طول عمر ایشان تا ظهور حضرت بقیة الله (عج) دعا کنی.

متن دعای فرج را به پیوست این یادداشتها به خدمتتان ارسال نمودم که همواره به آن ملتزم شوی و حداقل هر شب جمعه آن را بخوانی و برای تعجیل فرج مصلح غیبی دعا کنی. از خداوند بزرگ توفیق روز افزون برای تو، و عزت و پیروزی اسلام و مسلمین و بقای عمر شریف را خواهانم.

بخش اول

زمینه سازان در مشرق زمین به حکومت می‌رسند

حدیث اول:

عبدالله بن حارث زبیدی از رسول اکرم (ص) روایت می‌کند که
فرمود:

«يَخْرُجُ نَاسٌ مِنَ الْمَشْرِقِ فَيُؤَظُّونَ لِلْمَهْدِيِّ
(عج)». (یعنی سلطانه).

یعنی: «مردمی از مشرق زمین برمی‌خیزند و برای حکومت حضرت
مهدی (عج) زمینه سازی می‌کنند».

این حدیث را مقدسی شافعی در کتاب پیرارج «عقدالدرر»^۱ و
ابن ماجه در سنن^۲ و بیهقی در سنن^۳ و سیوطی در «العرف الوردی»^۴ از احمد
ابن حنبل و ترمذی و طبرانی نقل کرده‌اند که آن را با سندهای خود از
عبدالله بن حارث بن جزء زبیدی، از پیامبر اکرم (ص) روایت نموده‌اند.

۱ — عقدالدرر، صفحه ۱۲۵.

۲ — سنن ابن ماجه، جلد ۲ صفحه ۱۳۶۸.

۳ — سنن بیهقی

۴ — الحاوی للفتاوی جلد ۲ صفحه ۶۰.

این حدیث را ابن حجر^۵، حموینی^۶، متقی هندی^۷ و گنجی شافعی^۸ نیز روایت کرده‌اند.

حدیث دوم:

ثوبان می‌گوید که رسول اکرم (ص) فرمود:

تَجِيءُ الرَّايَاتُ السُّودُ مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ، كَأَنَّ
قُلُوبَهُمْ زُبُرُ الْحَدِيدِ، فَمَنْ سَمِعَهُمْ فَلْيَاثِمِهِمْ
فِي بَايِعَتِهِمْ وَلَوْ حَبْنُوا عَلَى التَّلَجِ.

یعنی: «پرچمهای سیاهی از سوی مشرق به حرکت می‌آید که گوئی دل‌های آنها قطعات آهن است. هر کس ندای آنها را شنید به سوی آنها بشتابد و با آنها بیعت کند، اگر چه ناگزیر باشد از روی برفها سینه خیز برود».

این حدیث را ابونعیم^۹ مقدسی شافعی^{۱۰}، جلال الدین سیوطی^{۱۱} و ابن صباغ مالکی^{۱۲} نقل کرده‌اند.

حدیث سوم:

سعید بن مسیب می‌گوید پیامبر اکرم (ص) فرمود:

يَخْرُجُ مِنَ الْمَشْرِقِ رَايَاتُ سُودٍ لِبَنِي الْعَبَّاسِ ثُمَّ
يَكُونُ مَا شَاءَ اللَّهُ، ثُمَّ تَخْرُجُ رَايَاتُ سُودٍ صِفَاةً، تُقَاتِلُ

۵ — مجمع الزوائد، جلد ۷ صفحه ۳۱۸

۶ — فرائد السمطين، جلد ۲ صفحه ۳۳۳.

۷ — كنز العمال، جلد ۱۴، صفحه ۲۶۳ حدیث شماره: ۳۸۶۵۷.

۸ — البيان، صفحه ۱۰۵.

۹ — اربعین حدیث فی المهدی، حدیث ۳۳.

۱۰ — عقد الدرر، صفحه ۱۲۹.

۱۱ — الحاوی للفتاوی، جلد ۲ صفحه ۶۴.

۱۲ — الفصول المهمة.

رَجُلًا مِنْ آلِ أَبِي سُفْيَانَ وَأَصْحَابِهِ مِنَ الْمَشْرِقِ،
يُؤَدُّونَ الطَّاعَةَ لِلْمَهْدِيِّ».

یعنی: برچمهای سیاهی از خاور زمین برای بنی عباس به راه می افتد، آنگاه مدت درازی می گذرد، سپس پرچمهای سیاه کوچکی از مشرق ظاهر می شود و با مردی از آل ابی سفیان به نبرد برمی خیزند و برای اطاعت حضرت مهدی زمینه سازی می کنند».

این حدیث را نعیم بن حماد در کتاب فتن^{۱۳}، مقدسی شافعی در عقدالدرر^{۱۴} و جلال الدین سیوطی در العرف الوردی^{۱۵} نقل کرده اند.

حدیث چهارم:

ثوبان از پیامبر اکرم (ص) نقل می کند که فرمود:

يَقْتَتِلُ عِنْدَ كَنْزِكُمْ ثَلَاثَةَ، كُتُّهُمْ إِبْنُ خَلِيفَةٍ، ثُمَّ
لَا يَصِيرُ، إِلَى وَاحِدٍ مِنْهُمْ ثُمَّ تَطْلُعُ الرَّايَاتُ السُّودُ مِنْ
قِبَلِ الْمَشْرِقِ فَيُقَاتِلُونَهُمْ قِتَالًا لَمْ يُقَاتِلْهُ قَوْمٌ».

یعنی: «بر سر میراث شما (زمامداری) سه تن می جنگند که هر سه خلیفه زاده هستند، هیچکدام بر آن دست نمی یابند، آنگاه پرچمهای سیاه از سوی خاور زمین ظاهر می شود و با آنها نبرد می کنند که در تاریخ نظیر ندارد».

ثوبان می گوید: آنگاه پیامبر اکرم (ص) مطلبی فرمود که من فراموش کردم* و پس از آن فرمود:

«إِذَا رَأَيْتُمُوهُ فَبَايَعُوهُ وَلَوْ حَبْوًا عَلَى الثَّلَجِ، فَإِنَّهُ
خَلِيفَةُ اللَّهِ الْمَهْدِيُّ».

یعنی: «هنگامی که او را دیدید با او بیعت کنید اگر چه ناگزیر

۱۳ - الفتن، نسخه خطی، برگ ۸۵، و ملخص آن: الملاحم صفحه ۵۴.

۱۴ - عقدالدرر صفحه ۱۲۶.

۱۵ - الحاوی للفتاوی، جلد ۲ صفحه ۶۹.

شوید که از روی برفها سینه خیز بروید، زیرا او خلیفه خدا حضرت مهدی است».

ابن ماجه این حدیث را در سنن خود نقل کرده^{۱۶} و آقای محمد فؤاد عبدالباقی به آن پاورقی زده می‌گوید: ابن حجر سند این روایت را صحیح دانسته و راویان آن را مورد اعتماد خوانده، و حاکم در مستدرک گفته: سند این روایت طبق معیار بخاری و مسلم صحیح است ولی آنها این روایت را نقل نکرده‌اند. و مقدسی شافعی آن را در «عقدالذکر» نقل کرده، سپس می‌گوید: گروهی از محدثین این روایت را نقل به معنی کرده‌اند از آن جمله است: ابن ماجه، ابوعمرو دانی، و ابونعیم اصفهانی^{۱۷}.

حدیث پنجم:

عبدالله بن عمر می‌گوید: رسول گرامی اسلام

(ص) دست علی بن ابیطالب (ع) را گرفت چنین فرمود:

«سَيَخْرُجُ مِنْ صُلْبِ هَذَا فَتَى يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا
وَعَدْلًا، فَإِذَا رَأَيْتُمْ ذَلِكَ فَعَلَيْكُمْ بِالتَّمِيمِ،
فَإِنَّهُ يَفْبَلُ مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ، وَهُوَ صَاحِبُ رَايَةِ
الْمَهْدِيِّ».

یعنی: «از تبار این مرد، جوانی ظاهر می‌شود که زمین را پر از عدل و داد کند. هنگامی که به درک او نایل آمدید به سوی جوان تمیمی بشتابید که از مشرق حرکت می‌کند، زیرا او صاحب پرچم حضرت مهدی است».

این حدیث را جلال الدین سیوطی^{۱۸}، متقی هندی — معروف به

۱۶ — سنن ابن ماجه، جلد ۲ صفحه ۱۳۶۷، حدیث شماره: ۴۰۸۴.

۱۷ — عقدالذکر، صفحه ۱۲۶.

۱۸ — الحاوی للفتاوی، جلد ۲ صفحه ۶۲.

ملاّعلی قاری - ۱۹، طبرانی ۲۰ و ابن حجر هیثمی ۲۱ نقل کرده‌اند.
 طبرانی و صاحب مجمع الفوائد نوشته‌اند که پیامبر اکرم (ص) هنگامی که حدیث را فرمود که با گروهی از مهاجر و انصار نشسته بودند، عباس عموی پیامبر (طرف راست آن حضرت و علی بن ابیطالب (ع) طرف چپ آن حضرت نشسته بودند، میان عباس و یکی از انصار مشاجره لفظی شد و انصاری کلمات درشتی گفت و پیامبر اکرم دست عباس و امیرمؤمنان را گرفته، حدیث یاد شده را بیان فرمود. ۲۲

حدیث ششم:

عبدالله عمرو می گوید: ۲۳

يَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ
 لِيُؤَسِّقَ بَلْتَهُ الْجِبَالُ لَهْدَمَهَا وَاتَّخَذَ فِيهَا طُرُقاً.

یعنی: «مردی از تبار حسین (ع) از طرف مشرق ظهور می‌کند، که اگر کوهها در برابر او خودنمایی کنند آنها را نابود کرده، از ویرانه‌های آنها راهی برمی‌گزیند».

۱۹ - البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان، صفحه ۱۵۱.

۲۰ - المعجم الاوسط.

۲۱ - الفتاوی الحدیثیه.

۲۲ - مجمع الفوائد و منبع الفرائد، جلد هفتم.

۲۳ - در اخبار مروط به حضرت مهدی (عج) روش من این است که روایات اصحاب را می‌پذیرم اگر چه به پیامبر اکرم (ص) نسبت ندهند، زیرا آنها راهی را به این اخبار غیبی نداشتند جز اینکه از پیامبر اکرم (ص) شنیده باشند، پس اگر مطلبی را در این زمینه‌ها گفته‌اند قطعاً از پیامبر شنیده‌اند و اینکه به آن حضرت نسبت نداده‌اند یا دلایل سیاسی داشته‌اند و یا روایان بعدی آن نسبت را حذف کرده‌اند و از شخص صحابی نقل نموده‌اند و این شیوه منست جز در مواردی که عدم صحت آنها ثابت شده باشد. «مؤلف»

که آن را مقدسی شافعی^{۲۴}، طبرانی^{۲۵}، ابونعیم اصفهانی^{۲۶}، نعیم بن حماد^{۲۷} و گنجی شافعی^{۲۸} با اسناد خود از «ابن عمرو» نقل کرده‌اند.

حدیث هفتم:

امیرمؤمنان علی بن ابی طالب (ع) می‌فرماید:

يَخْرُجُ رَجُلٌ قَبْلَ الْمَهْدِيِّ مِنْ بَيْتِهِ بِالْمَشْرِقِ، يَحْمِلُ
السَّيْفَ عَلَى عَاتِقِهِ ثَمَانِيَةَ أَشْهُرٍ يَقْتُلُ وَيُكْتَلُ
وَيَتَوَجَّهُ إِلَى بَيْتِ الْمَقْدِسِ فَلَا يَبْلُغُهُ حَتَّى
يَمُوتَ».

یعنی: «پیش از ظهور مهدی (عج) مردی از اهل بیت او در خاورمیانه خروج می‌کند، مدت ۸ ماه شمشیر می‌زند، می‌کشد و مثله می‌کند و آنگاه متوجه بیت المقدس می‌شود و پیش از آنکه به آنجا برسد، اجلش فرا می‌رسد».

این حدیث که در واقع بیانگر حدیث اول است، بُعدی تازه از ابعاد زمینه‌سازی را برای ما روشن می‌کند و به خواست خدا در فصل‌های بعدی ابعاد دیگری از آنها روشن خواهد شد.

این حدیث را نعیم بن حماد در کتاب «فتن»^{۲۹}، مقدسی شافعی در کتاب عقد الدرر^{۳۰} و متقی هندی در کتاب «البرهان» نقل کرده‌اند، جز اینکه متقی هندی به جای هشت ماه، هیجده ماه نوشته است^{۳۱} و

۲۴ - عقد الدرر، صفحه ۱۲۷.

۲۵ - معجم طبرانی.

۲۶ - الفتن - مخطوط -، والملاحم صفحه ۸۵.

۲۷ - الملاحم والفتن، صفحه ۸۵.

۲۸ - البيان في اخبار صاحب الزمان، صفحه ۱۳۴.

۲۹ - الملاحم والفتن صفحه ۶۶.

۳۰ - عقد الدرر، صفحه ۱۲۹.

۳۱ - البرهان في علامات مهدى آخر الزمان، صفحه ۱۰۳.

شاید او به نسخه دیگری از «فتن» اعتماد کرده که آن نسخه به دست مقدسی شافعی نرسیده است.

حدیث هشتم:

زهري می‌گوید: پیامبر اکرم (ص) فرمود:

«تَقْبَلُ الرِّايَاتُ الشُّوْءَ مِنَ الْمَشْرِقِ، تَقُوذُهُمْ رِجَالُ
كَالْبُخْتِ الْمُجَلَّلَةِ، أَصْحَابُ شُعُورٍ، أَنْسَابُهُمْ
الْقُرَى، وَأَسْمَائُهُمُ الْكُنَى، يَفْتَحُونَ قَدَيْتَةَ دِمَشْقِ،
تُرْفَعُ عَنْهُمْ الرَّحْمَةُ ثَلَاثَ سَاعَاتٍ».

یعنی: «پرچمهای سیاهی از سوی مشرق روی می‌آورد که آنها را مردانی چون اشتران نیرومند (قانع و سختکوش) پیش می‌برند که بسیار با هوش می‌باشند، نسبتشان به دهات و شهرتشان با کنیه است. شهر دمشق را فتح می‌کنند و مدت سه ساعت رحمت و شفقت از آنها برداشته می‌شود».

این حدیث را «نعیم بن حماد مروزی، در کتاب «فتن» نقل کرده است. گاهی به نظر می‌رسد که ممکن است. منظور از پرچمهای سیاه، پرچم یاران ابومسلم خراسانی باشد ولی با مراجعه به تاریخ معلوم می‌شود که پرچم بنی عباس به صورت جنگ مغلوبه وارد دمشق نشده است. و مؤید آن مطلبی است که نعیم بن حماد در کتاب «فتن» از «ضمرة» نقل می‌کند که او نیز از «ابن شوذب» نقل کرده است که در نزد «حسن بصری» بوده، صحبت حمص» شده، او گفته است: «مردم حمص در مسووده اولی (روزگار سخت نخستین) از خوشبخت‌ترین مردم بوده، و در مسووده دومی از بدبخت‌ترین آنها می‌باشند». گفته شد: ای ابا سعید! منظور از مسووده دومی چیست؟ گفت: «مرد کار و تلاش، که با سپاهی بالغ بر هشتاد هزار نفر از خاور زمین برمی‌خیزد که دل آنها از ایمان مالا مال است، انسان که انار از دانه‌ها مالا مال می‌باشد،

ریشه کنی مسوده اولی به دست آنهاست.»^{۳۳}

معلوم نیست که منظور از برداشته شدن رحمت چیست؟ شاید منظور این باشد که سپاه یاد شده به فرمان خدا و تحت فرماندهی رهبری عالیه، به این جنگ سرنوشت ساز اقدام می‌کنند. پر واضح است که فتح دمشق در روزگار حکومت سفیانی خواهد بود. و در چنین مقطعی صاحبان پرچم‌های سیاه به فرمان حضرت مهدی (عج) و تحت رهبری فرماندهان سپاه آن حضرت چون یمانی و شعیب بن صالح پایگاه حکومت اموی را فتح می‌کنند. چنانکه حدیث بعدی آن را بیان می‌کند.

حدیث نهم:

امیرمؤمنان (ع) در ضمن یک حدیث بسیار طولانی از صاحبان پرچم‌های سیاه و رو در روئی آنها با سپاه سفیانی و فتح دمشق سخن گفته، که فرازی از آن را در زیر می‌آوریم:

«... فَيَبْعَثُ عَلَيْهِ فِتْيَٰ مِنْ الْمَشْرِقِ يَدْعُوْنَ إِلَىٰ أَهْلِ بَيْتِ النَّبِيِّ (ص)، هُمْ أَصْحَابُ الرَّايَاتِ السُّودِ الْمُسْتَضْعَفُونَ فَيُعِزُّهُمْ اللَّهُ وَيُنزِلُ عَلَيْهِمُ النَّصْرَ، فَلَا يُقَاتِلُهُمْ أَحَدٌ إِلَّا هَزَمُوهُ».

«... وَيُسَاعِدُهُمْ عَلَيْهَا رَجُلٌ مِنْ بَنِي هَاشِمٍ، إِسْمُهُ إِسْمُ نَبِيِّ يَفْتَسِحُونَهَا مِنَ الْبَابِ الشَّرْقِيِّ، قَبْلَ أَنْ يَمْضِيَ مِنَ الْيَوْمِ الثَّانِي أَرْبَعُ سَاعَاتٍ. فَيُذْخِلُهَا سَبْعُونَ سَيْفٌ مَشْلُوكٌ بِأَيْدِي أَصْحَابِ الرَّايَاتِ السُّودِ. شِعَارُهُمْ «أَمِيتَ أَمِيتَ»، أَكْثَرُ قَتْلَاهُمْ فِيمَا يَلِي الْمَشْرِقِ».

یعنی: «... آنگاه خداوند جوانی را از طرف مشرق برمی‌انگیزاند

۳۳ — همان مدرک، والملاحم صفحه ۵۶.

که مردم را به سوی اهل بیت پیامبر (ص) فرا می‌خواند. آنها صاحبان پرچمهای سیاه هستند که در روی زمین به استضعاف کشیده شده‌اند. خداوند آنها را به عزت می‌رساند و نصرت خود را بر آنها نازل می‌کند با احدی رو در رو نمی‌شوند جز اینکه او را شکست می‌دهند.»

«... در این رابطه (فتح دمشق) مردی از بنی هاشم آنها را یاری می‌کند که همنام یکی از پیامبران است. آنجا را از طرف دروازه شرقی فتح می‌کنند، بیش از آنکه چهار ساعت از روز دوم حمله بگذرد. آنگاه هفتاد هزار شمشیرزن از صاحبان پرچمهای سیاه با شمشیرهای آماده وارد شهر می‌شوند که شعارشان **اِمْت اِمْت** می‌باشد (خود عاشق شهادتند و برای دشمنان، مرگ به ارمغان می‌آورند) بیشتر کشته‌هایشان در طرف شرقی دمشق می‌باشد.»

در این حدیث امیرمؤمنان (ع) چون شیوه دائمی معصومین علیهم السلام، روایت پیشین پیامبر اکرم (ص) را توضیح می‌دهد. اگر جمله «سه ساعت رحمت و شفقت برداشته می‌شود» را از حدیث هشتم با جمله «پیش از آنکه چهار ساعت از روز دوم بگذرد» مقایسه کنیم، خواهیم دید که هر دو جمله یک مطلب را بیان می‌کند، اگر چه تعبیرها مختلف باشد.

این حدیث را متقی هندی در کنز العمال نقل کرده است. ۳۴

حدیث دهم:

عبدالله بن مسعود می‌گوید به خدمت پیامبر اکرم (ص) رفتیم، شاداب و سرحال ما را به حضور پذیرفت، آثار خوشحالی در سیمای مبارکش آشکار بود. سوالی کردیم پاسخ فرمود، چون ساکت شدیم او سخن آغاز نمود. تا تعدادی از کودکان بنی هاشم که امام حسن و امام حسین نیز در میان آنها بودند از آنجا عبور کردند، چون دیدگان پیامبر (ص) به فرزندان بزرگوار خود افتاد، قطرات اشک در اطراف دیدگانش

حلقه زد. گفتم: چه شد که آثار اندوه در چهره‌تان آشکار گردید؟!
فرمود:

«إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ إِخْتَارِ اللَّهِ لَنَا الْآخِرَةُ عَلَى الدُّنْيَا، وَأَنَّهُ
سَيَلْقَى أَهْلُ بَيْتِي مِنْ بَعْدِي تَطْرِيداً وَتَشْرِيداً فِي
الْبِلَادِ، حَتَّى تُرْفَعَ رَايَاتُ سُودٍ مِنَ الْمَشْرِقِ فَيَسْأَلُونَ
الْحَقَّ فَلَا يُعْطَوْنَ، ثُمَّ يَسْأَلُونَهُ فَلَا يُعْطَوْنَ،
فَيُقَاتِلُونَ فَيُنْصَرُونَ. فَمَنْ أَدْرَكَهُ مِنْكُمْ وَمِنْ
أَعْقَابِكُمْ فَلْيَاتِ إِمَامَ أَهْلِ بَيْتِي، وَلَوْ حَبِوْا عَلَى
الْتَلَجِ، فَإِنَّهَا رَايَاتُ هُدًى يَدْفَعُونَهَا إِلَى رَجُلٍ مِنْ
أَهْلِ بَيْتِي، يُوَاطِئُ إِسْمُهُ إِسْمِي، وَأَسْمُ أَبِيهِ إِسْمُ أَبِي،
فَيَمْلِكُ الْأَرْضَ فَيَمْلَأُهَا قِسْطاً وَعَدْلًا، كَمَا قَلِمْتُ
جَوْرًا وَظُلْمًا».

یعنی «ما خاندانی هستیم که خداوند برای ما آخرت را برگزیده
است و پس از درگذشت من، اهل بیت من دچار حوادثی می‌شوند که از
خانه و کاشانه خود فرار می‌کنند و در شهرها آواره می‌گردند، تا پرچمهای
سیاهی از سوی مشرق به اهتزاز درآید. در آن موقع حق خود را مطالبه
می‌کنند به آنها داده نمی‌شود، باز هم به مطالبه حقوق خویش برمی‌خیزند و
به آنها داده نمی‌شود، آنگاه وارد کارزار می‌شوند و بردشمن پیروز
می‌شوند. آگاه باشید که هر کس از شما یا فرزندان شما آن زمان را
درک کند به سوی امام اهل بیت من بشتابد ولو با سینه‌خیز رفتن از روی
برفها، که آنها پرچمهای هدایت است و آنها را به مردی از اهل بیت من
تسلیم می‌کنند که نامش همانام من و نام پدرش همانام پدر من می‌باشد.^{۳۵}
او زمین را تحت سیطره خود در می‌آورد و آن را پر از عدل و داد
می‌کند، انسان که پر از جور و ستم شده است».

این حدیث را مقدسی شافعی از مستدرک حاکم نقل کرده
می‌افزاید: این حدیث را ابونعیم اصفهانی، ابن ماجه و نعیم بن حماد، نقل

به معنی کرده‌اند. ۳۶

این حدیث از روایاتی است که بیش از دیگر روایتها مورد دستبرد واقع شده است، برخی از محدثین قسمت اول آن را حذف کرده‌اند، برخی از آنها کلماتش را به گونه‌های مختلف نقل کرده‌اند، حتی متن بالا که بهترین متن حدیث به شمار می‌آید خالی از ناهماهنگی و عدم تناسب میان فرازهایش نیست.

در صورتی که بخواهی نسبت به این مسئله مطمئن شوی حدیث مزبور را از «فیقاتلون... تا آخر» بخوان. ناهماهنگی در الفاظ و عدم تناسب معنی را درمی‌یابی لذا می‌توان جملات آنرا به ترتیب ذیل دوباره مرتب کرده اینگونه بخوانیم:

«فَيُقَاتِلُونَ فَيُنْصَرُونَ إِنَّهَا رَايَاتٌ هُدًى يَدْفَعُونَهَا إِلَى رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يُوَاطِئِي اسْمُهُ اسْمِي وَاسْمُ أَبِيهِ اسْمُ أَبِي فَيْمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِئْتُ جَوْرًا وَظُلْمًا فَمَنْ أَدْرَكَهُ مِنْكُمْ أَوْ مِنْ أَعْقَابِكُمْ فَلْيَاتِ إِمَامَ أَهْلِ بَيْتِي وَلَوْ حَبْوًا عَلَى، الثَّلَجِ».

آنگاه وارد کارزار می‌شوند و پیروز می‌شوند آنها پرچمدار هدایتند به دست مردمی از خاندان من می‌سپارندش که اسم او هم نام من و نام پدرش هم نام پدر من است و آن چنان که زمین پر از جور و ظلم شده آن را، پر از عدل و قسط می‌کند. پس هر که از شما یا فرزندان شما به درکش نایل آمد به سوی امام‌اهل بیت من بشتابد اگر چه بر روی برفها سینه خیز رود.

معلوم نیست که حاکم لفظ «واسم ابیه اسم ابی» را از کجا آورده است؟! در حالیکه در بیشتر منابع حدیثی این فراز وجود ندارد.

در بیشتر کتب حدیثی این حدیث از طریق «ابن مسعود» نقل شده است ولی پس از تحقیق دو راه دیگر نیز به دست آمد: یکی از راه

امام حسن مجتبی (ع) و دیگری از راه ابوخالد کابلی، که امام حسن (ع) از پیامبر اکرم (ص) و ابوخالد از امام محمد باقر (ع) روایت می‌کنند. اول را نعیم بن حماد از امام حسن مجتبی (ع) چنین نقل می‌کند: «پیامبر اکرم (ص) از حوادثی که در انتظار اهل بیت او بود سخن گفت و فرمود: تا زمانی که پرچمهای سیاهی از مشرق به اهتزاز در آید. هر کس آن را یاری کند خداوند او را یاری می‌کند و هر کس آن را خوار سازد خداوند او را خوار و زبون می‌سازد، تا به سوی مردی همانام با من بشتابند و او را به پیشوائی خود برگزینند، تا خداوند او را یاری کند و پیروز گرداند». ۳۸

راه دوم را نعمانی در کتاب خود «الغیبة» از ابوخالد کابلی از امام محمد باقر (ع) چنین نقل می‌کند: «گوئی با چشم خود می‌بینم گروهی را که در مشرق بپا خاسته حق را مطالبه می‌کنند. حق آنها داده نمی‌شود، چون وضع را چنین ببینند شمشیر کشیده حق خود را مطالبه می‌کنند. آن را نمی‌پذیرند جز اینکه به صاحب شما (حضرت مهدی) تسلیم می‌کنند، کشته‌هایشان شهید است. اگر من چنین زمانی را درک می‌کردم خودم را در اختیار صاحب این امر قرار می‌دادم». ۳۹

علامه مجلسی این حدیث را از غیبت نعمانی نقل کرده است. برادر عزیز! اینها نمونه‌ای اندک از دهها روایتی است که در کتب اهل سنت در مورد «زمینه‌سازان حکومت حضرت مهدی» و پیدایش حکومت آنها در مشرق، وارد شده است، که برای پرهیز از اطالة سخن به همین مقدار بسنده نمودم، و به خواست خدا احادیث بخشهای بعدی نیز بروضوح مطلب خواهند افزود و خواسته شما را تأمین خواهند نمود. می‌توانیم از احادیث این بخش نتیجه بگیریم که در یک کشور

۳۸ — الفتن — مخطوط — ورق ۸۵، و ملخص آن: الملاحم صفحه ۵۲.

۳۹ — غیبت نعمانی صفحه ۲۷۳.

شرقی یک حکومت اسلامی تحت رهبری مردی از تبار اهل بیت تأسیس می‌شود که این دولت زمینه‌ساز حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) خواهد بود. زیرا این دولت به ارزشها و معیارهای حضرت بقیه الله (عج) باور دارد و تعالیم او را که همان تعالیم عالیة اسلام است ارج می‌نهد. و این دولت جهان را با جنگ و صلح به عنوان یک وظیفه اسلامی به پذیرش آئین مقدس اسلام فرا می‌خواند.

در اینجا این سؤال باقی می‌ماند که بلوک شرق بسیار پهناور است، آیا این حکومت در کدام منطقه ایجاد خواهد شد؟ پاسخ این پرسش در بخشهای بعدی خواهد آمد و مطلع این نور که نقطه عطفی در طلوع خورشید فروزان امامت است باز شناخته خواهد شد.

بخش دوم

دولت زمینه سازان حکومت امام زمان در کشورهای عربی تشکیل نخواهد شد

حدیث اول:

امیرمؤمنان (ع) از رسول گرامی اسلام (ص) نقل می‌کند که

فرمود:

«يَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ وَرَاءِ النَّهْرِ، يُقَالُ لَهُ: الْحَارِثُ،
وَعَلَى مُقَدِّمَتِهِ رَجُلٌ يُقَالُ لَهُ: الْمَنْصُورُ، يُوَقَّظُ
(أَوْ يُمَكَّنُ) لِآلِ مُحَمَّدٍ (ص) كَمَا مَكَّنْتَ قُرَيْشَ
لِرَسُولِ اللَّهِ (ص) وَجَبَّ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ نَضْرَةٌ».

یعنی: مردی از ماوراء النهر برمی‌خیزد که به او حارث» گفته می‌شود و در پیشاپیش او مردی دیگر به نام «منصور» که زمینه را برای رسول اکرم (ص) فراهم می‌کنند. بر هر مسلمانی لازم است که او را یاری کنند».

از روزگار قدیم کشور عراق را «بین النهرین» می‌نامند زیرا در میان دو رود عظیم دجله» و «فرات» قرار گرفته است. و مناطقی را که در قسمت شرقی عراق واقع شده «ماوراءالنهر» می‌نامند. و علت اینکه در این تعبیر لفظ «نهر» را به صورت مفرد بکار می‌برند این است که

رودخانه یاد شده، در جنوب عراق به یکدیگر می‌پیوندند و مرز طبیعی ایران و عراق را تشکیل می‌دهند.

حارث به معنای بزرگوار است که زمین را شخم می‌کند و هموار می‌سازد و آمادهٔ زراعت می‌کند. از اینجا استفاده می‌شود که «حارث» در این حدیث کنایه از کسی است که راه را برای دولت حقهٔ حضرت بقیة الله (عج) هموار نموده، زمینه را برای تشکیل آن حکومت جهانی فراهم می‌نماید. *

منصور نیز نام رمزی شعیب بن صالح است که بزرگ فرمانده ارتش حضرت بقیة الله (عج) و پیش از آن حضرت فرمانده کل ارتش، خراسانی می‌باشد، چنانکه از احادیث بعدی استفاده می‌شود.

این حدیث را مقدسی شافعی در «عقد الدرر» نقل کرده می‌گوید: این حدیث را ابوداود، نسائی و بیهقی در سنن و ابومحمد حسین در مصابیح نقل کرده‌اند.^۱

حدیث دوم:

ابوهریره از رسول اکرم (ص) نقل می‌کند که فرمود:

«إِذَا وَقَعَتِ الْمَلَاحِمُ بَعَثَ اللَّهُ رَجُلًا مِنَ الْمَوَالِي،
أَكْرَمَ الْعَرَبِ فُرْشَانًا وَأَسْوَدَهُ سِلَاحًا، يُؤَيِّدُ اللَّهَ بِهِمُ
الَّذِينَ، فَإِنْ قُتِلَ الْخَلِيفَةُ بِالْعِرَاقِ خَرَجَ عَلَيْهِمُ
الرَّجُلُ الْمَرْبُوعُ الْقَامَةِ، كَثُ اللَّخِيَّةِ، أَسْوَدُ الشَّعْرِ بَرَّاقُ
الْتَّنَائِيَا، فَوَيْلٌ لِلْعِرَاقِ مِنْ أَتْبَاعِهِ الْمَرَّاقِ، ثُمَّ يَخْرُجُ
الْمَهْدِيُّ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ، يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا
مَلِئْتُ جَوْرًا».

یعنی: «هنگامی که جنگهای شدیدی در گرفت، خداوند یکی از «موالی» را برمی‌انگیزد که شجاعترین قهرمان عرب و قویترین شمشیر

۱... - عقد الدرر، صفحه ۱۳۰.

زن آنهاست، خداوند به وسیله او دین را تأیید می‌کند. هنگامی که خلیفه‌ای در عراق کشته شد، مردی چهارشانه با موهای مشکی و پر پشت دندانهای برّاق، علیه آنها قیام می‌کند، وای بر عراق از اتباع بیگانه‌اش!، آنگاه مهدی ما اهل بیت ظاهر می‌شود و روی زمین را پر از عدد و داد می‌کند، آن چنانکه پر از ظلم و ستم شده است».

متن این حدیث نیز از تحریف و دستبرد محفوظ نمانده است، بلکه با الفاظ مختلفی نقل شده است، شاید برای بیان هدف اصلی رسول اکرم (ص) بهترین متن نقل مرحوم شیخ نجم‌الدین عسکری^۲ باشد. مقدسی شافعی آن را از فتنِ نعیم بن حماد نقل کرده^۳ و من آن را در کتاب «فتن» به صورت ناقص یافتیم^۴.

«واژه موالی» در لغت معانی بسیاری دارد که از آن جمله است: برده، هم پیمان، پیرو، همسایه و... شاید در این حدیث معنای آخری مناسبتر باشد. آن چنان در میان مردم معروف شده که «موالی» را به ایرانیان یا مسلمانان غیر عرب تفسیر می‌کنند صحیح نیست، زیرا پیامبر اکرم (ص) با چنین تعبیرات تعصب‌انگیز به شدت مبارزه کرده‌اند. پیامبری که دستور می‌دهد به بردگان تعبیر «عبد» و «امه» (غلام و کنیز) گفته نشود، بلکه همواره به عنوان پسر یا دخترم ندا شوند،^۵ هرگز اجازه نمی‌دهد که به مسلمان غیرعرب «موالی» گفته شود، که زبان هرگز نمی‌تواند امتیازی بین دو مسلمان به شمار آید. تا جائیکه نگارنده اطلاع دارد، خلیفه دّوم نخستین کسی است که واژه «موالی» را به دفتر بیت‌المال وارد کرد. و بر اساس آن میان عطایا و بخششهای مسلمانان عرب و غیر عرب تفاوت گذاشت، و به عربها بیش از دیگران سهمیه

۲ — المهدی الموعود المنتظر، جلد ۱ صفحه ۵۹.

۳ — عقد الدرر، صفحه ۴۵.

۴ — الفتن — مخطوط — ورق ۱۳۵.

۵ — رجوع شود به «عدالت اجتماعی» از سید قطب.

تعیین کرد. شخص خلیفه به اشتباه خود پی برد و آثار شوم این اقدام نابجا را در جامعه اسلامی لمس کرد و تصمیم گرفت که سال دیگر از روش پیامبر (ص) پیروی کرده، میان عرب و غیرعرب تساوی برقرار نماید ولی پیش از آنکه توفیق پیدا کند رخت از زندگی بربست^۶. عثمان نیز راه او را دنبال کرد، علی بن ابی طالب (ع) با اینکار به مخالفت برخاست پس از آن امویان دوباره شیوه عمر را در اینکار پیش گرفتند و از هر کاری میان مسلمان عرب و غیرعرب تفاوت قائل شدند. و کار به جایی رسید که یک مرد عرب حق نداشت با یک زن غیرعرب ازدواج کند. که داستان‌شان با امام زین العابدین (ع) در این رابطه مشهور است.

به هر حال می‌توانیم به کمک دو حدیث یاد شده کشورهای عربی را از بخش کشورهای خاوری اسلامی جدا کنیم و بگوئیم دولت زمینه‌سازان در غیر آنها تشکیل خواهد شد. زیرا در حدیث اول قید ماوراءالنهر بود و در حدیث دوم قید موالی، که منظور از آن مسلمانان امجاور حکومت اسلامی عهده‌دار رسالت از سوی شرقی مدینه خواهند بود. آنچه موجب شده ما تصور کنیم که مقصود از آن ایرانیها هستند این است که پیامبر اکرم در حدیث اول می‌فرماید: «اَکْرَمُ الْعَرَبِ فُرْسَانًا» یعنی: «بزرگوارترین اسب سوار عرب». روی این بیان باید سپاه او بیش از همه سپاهیان عرب باشد، و از طرفی ایران نزدیک ۴۵ میلیون جمعیت دارد و با طرح ارتش بیست میلیونی می‌تواند بیش از همه کشورهای عربی، سرباز داشته باشد.

جمله «أَسْوَدَةُ سِلَاحًا» یا «أَجْوَدَةُ سِلَاحًا» دلالت می‌کند بر اینکه نیروی رزمی دولت زمینه‌سازان از همه دولتهای عربی قویتر است و شاید اشاره به قدرت معنوی آنها باشد که به دلیل صبر و استقامت و ایمان به هدف، بر دیگر نیروهای رزمی برتری دارند. چنانکه قرآن کریم

۶ - برای توضیح بیشتر به کتاب «ثورة الامام الحسين» از محمد مهدی

شمس‌الذین مراجعه فرمائید.

می فرماید:

«إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عِشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ».

یعنی: «اگر از شما بیست نفر شکیبا باشند بر ۲۰۰ نفر پیروز

می شوند»^۷

اگر گفته شود که تعبیر «اَكْرَمُ الْعَرَبِ فُرْسَانًا» صریح است در اینکه آن شخص عرب است ولی مردی که از ماوراءالنهر خروج می کند طبعاً عرب نخواهد بود، در پاسخ می گوئیم اگر او سید باشد طبعاً عرب به شمار می آید زیرا از تبار بنی هاشم خواهد بود و بنی هاشم گل سرسبد عرب می باشد، روی این بیان یک سید ایرانی هم عرب محسوب است و می تواند مشمول حدیث پیامبر اکرم (ص) باشد.

بخش سوم

برپایی دولت زمینه سازان حضرت مهدی در خراسان

حدیث اول:

«إِذَا رَأَيْتُمُ الرَّايَاتِ الشُّوَدَّ قَدْ أَقْبَلَتْ مِنْ خُرَاسَانَ
فَأْتُوها وَلَوْ حَبْنُوا عَلَى الثَّلْجِ».

یعنی: «هنگامی که پرچمهای سیاه از طرف خراسان به اهتزاز در آید به سوی آن بشتابید، اگر چه ناگزیر شوید که از روی برفها سینه خیز بروید».

این حدیث را نعیم بن حماد در فتن^۱، حاکم در مستدرک، ابوعمرو در سنن، و مقدسی در عقد الدرر نقل کرده و اضافه می‌کند: حاکم این حدیث را طبق میزان بخاری و مسلم صحیح دانسته است ولی در صحیحین نیامده است.^۲ سپس مقدسی می‌گوید: در این حدیث گفته شده که «خليفة خدا حضرت مهدی (ع) در میان آنهاست»، شاید منظور این باشد که این پرچمها پیش در آمد و زمینه ساز ظهور حضرت مهدی است.^۳

۱ - الفتن - مخطوط - ورق ۸۴.

۲ - عقد الدرر، صفحه ۱۲۵.

۳ - عقد الدرر صفحه ۱۲۶.

حدیث دوم

ابوهریره می گوید: پیامبر اکرم (ص) فرمود:
«تَخْرُجُ مِنْ خُرَاسَانَ رَايَاتٌ سُودٌ فَلَا يَرُدُّهَا شَيْئٌ حَتَّى
تُنْصَبَ بِأَيْلِيَا».

یعنی: «از خراسان پرچمهای سیاهی خارج می شود هیچ قدرتی
نمی تواند آنها را برگرداند تا در ایلیا (بیت المقدس) نصب شود».
این حدیث را ابن حجر عسقلانی^۴، نعیم بن حماد^۵، ترمذی^۶ و ابن کثیر
در «نهایه» نقل کرده، اضافه می کنند: این پرچمها غیر از پرچمهایی است
که ابومسلم از خراسان حرکت داد و رژیم بنی امیه را ساقط کرد، بلکه
پرچمهای دیگری است که در محضر حضرت مهدی به اهتزاز درمی آید.

حدیث سوم:

از پیامبر اکرم (ص) روایت شده که خطاب به عمویش عباس و
پسرعم بزرگوارش حضرت علی (ع) فرمود:
«فَإِذَا غَيَّرْتَ سُنَّتِي يَخْرُجُ نَاصِرُهُمْ مِنْ أَرْضِ يُقَالُ لَهَا
خُرَاسَانٌ بِرَايَاتٍ سُودٍ، فَلَا يَلْقَاهُمْ أَحَدٌ إِلَّا هَزَمُوهُ،
وَوَغَلَبُوا عَلَيَّ مَا فِي أَيْدِيهِمْ حَتَّى تَقْرُبَ رَايَاتُ بَيْتِ
الْمَقْدِسِ».

یعنی: «هنگامی که سنت من دگرگون شد، یاور آنها از سرزمینی به
نام خراسان با پرچمهای سیاهی قیام می کند، با کسی روبرو نمی شود جز
اینکه شکستش می دهد و آنچه در دست دارند به غنیمت می گیرد تا به
پرچمهای بیت المقدس نزدیک شوند».

احادیث دیگری به این مضمون گذشت و ما آن را از کتاب «ابراز

۴ - القول المسند في الذب عن المسند للامام احمد، صفحة ۱۱.

۵ - الفتن - مخطوط - ورق ۵۶.

۶ - سنن ترمذی، جلد ۴ صفحه ۵۳۱.

الوهم» تألیف: «احمد بن صدیق بخاری» نقل کردیم.^۷

حدیث چهارم:

جابر بن عبدالله انصاری از امام محمد باقر (ع) نقل می‌کند که

فرمود:

«تَنْزِيلُ الرِّايَاتِ السُّودِ الَّتِي تَقْبَلُ مِنْ خُرَاسَانَ الكُوفَةَ،
فَإِذَا ظَهَرَ المَهْدِيُّ بِمَكَّةَ بُعِثَتْ إِلَى المَهْدِيِّ».

یعنی: پرچمهای سیاهی که از خراسان حرکت می‌کند در کوفه فرود می‌آید، هنگامی که حضرت مهدی (عج) در مکه ظهور فرمود به سوی آن حضرت گسیل می‌گردند».

این حدیث را نعیم بن حماد در کتاب «فتن» نقل کرده^۸ و حدیث دیگری به همین تعبیر نقل می‌کند که در آنجا می‌فرماید: «هنگامی که حضرت مهدی در مکه ظهور فرمود، برای بیعت به سوی آن حضرت گسیل می‌گردند»^۹.

حدیث پنجم:

عمر بن مرّة جهنی از پیامبر اکرم (ص) نقل می‌کند که فرمود:

«لَتُخْرَجَنَّ مِنْ خُرَاسَانَ رَايَةٌ سَوْدَاءٌ، حَتَّى تُرْبَطَ
خُيُولُهَا بِهَذَا الزَّيْتُونِ الَّذِي بَيْنَ بَيْتِ لِهْيَا
وَ حَرَسْتَا».

یعنی: «بی تردید پرچم سیاهی از خراسان حرکت می‌کند تا

اسبهایشان به درختهای زیتون در میان «بیت لهما» و حرستا» بسته شوند».

عمر گفت: یا رسول الله (ص)! ما در میان این دو آبادی درخت

زیتونی نمی‌بینیم. فرمود: «به زودی در این محل درختهای زیتونی کاشته

۷ — ابراز الوهم المکتون من کلام ابن خلدون، حدیث شماره ۵۹.

۸ — الفتن — مخطوط — ورق شماره ۸۸.

۹ — همان مدرک، ورق شماره ۸۴، والملاحم صفحه ۵۶.

می‌شود تا اسبهای آنان همانجا بسته شوند». «حرسنا» آبادی بزرگی است در حومه دمشق به فاصله یک فرسخ از دمشق بر سر راه حمص^{۱۰} طبعاً باید «بیت لهما» نیز در نزدیکی آن باشد.

نعیم بن حماد مروزی آن را در کتاب «فتن» نقل کرده، اضافه می‌کند: عبدالرحمن بن سلمان نیز این روایت را نقل کرده، جز اینکه می‌گوید: به این درختها اسبهای سپاهیان دومی بسته می‌شود که علیه سپاهیان اولی قیام می‌کنند.^{۱۱}

حدیث ششم:

محمد بن حنفیه می‌گوید:

«پرچمهای سیاهی برای بنی عباس حرکت می‌کند، سپس پرچمهای سیاه دیگری از خراسان حرکت می‌کند، که کلاهی سیاه بر سر و جامه‌ای سفید بر تن دارند و سرکرده آنها مردی به نام «شعیب بن صالح» از تمیم است، سپاه سفیانی را شکست می‌دهند و وارد بیت المقدس می‌شوند و زمینه حکومت حضرت مهدی (عج) را فراهم می‌سازند، ۳۰۰ تن از شام به یاری آنها می‌شتابند. میان خروج آنها و تشکیل حکومت حضرت مهدی (عج) ۷۲ ماه فاصله است».

این حدیث را مقدسی به نقل از سنن ابوعمر و دانی آورده است.^{۱۲} نعیم بن حماد نیز آن را به سند خود از محمد بن حنفیه^{۱۳} و ابن حجر در بخش روایات تابعین نقل کرده است.^{۱۴}

۱۰ - معجم البلدان، جلد ۲ صفحه ۲۴۱.

۱۱ - الفتن - مخطوط - ورق ۸۵.

۱۲ - عقد الدرر صفحه ۱۲۶.

۱۳ - الفتن - مخطوط - برگ ۸۴، والملاحم صفحه ۵۲.

۱۴ - القول المختصر - مخطوط - برگ ۸۴.

همچنین ابن حجر حدیث مزبور را در کتاب خود (القول المختصر)
چنین آورده است:

«باب سوم در باب آنچه راجع به پیروان مهدی آمده است سه
موضوع را ذکر کرده و چهارمی را چنین آورده است که پیش از وی
پرچمهای سیاهی متعلق به بنی عباس برافراشته می‌گردند و پرچمهای
دیگری از سوی خراسان (که صاحبان آنها) دارای عمایه‌های سیاه و
جامگانی سفید هستند و شعیب بن صالح تمیمی آنان را راهبری می‌کند
این سپاهیان سفیانی را شکست داده به بیت المقدس می‌رسند و زمینه را
برای حکومت مهدی آماده می‌سازند از ابتدای حرکت آنها تا تسلیم
حکومت به حضرت مهدی (ع) ۷۲ ماه فاصله است.

این حدیث شبیه حدیث سوم از بخش اول است که پیامبر اکرم
(ص) می‌فرماید:

پرچمهای سیاهی برای بنی عباس از خاور زمین به راه می‌افتد،
آنگاه مدت درازی می‌گذرد، سپس پرچمهای سیاه کوچکی از مشرق ظاهر
می‌شوند و با مردی از آل ابی سفیان به نبرد برمی‌خیزند و زمینه را برای
حکومت حضرت مهدی فراهم می‌سازند». ۱۵ چه بسا کسیکه پرچمهای
سیاه به جنگ با او می‌پردازند صدام سر سپرده شیطان بزرگ (آمریکا)
باشد وای بسا که سفیانی مورد نظر است.

حدیث هفتم:

ابو رومان از امیرمؤمنان علی بن ابی طالب (ع) نقل می‌کند که
فرمود:

«إِذَا خَرَجَتْ خَيْلُ السُّفْيَانِيِّ إِلَى الْكُوفَةِ بَعَثَ فِي
طَلَبِ أَهْلِ خُرَّاسَانَ وَيَخْرُجُ أَهْلُ خُرَّاسَانَ فِي طَلَبِ

۱۵ - الفتن - مخطوط - برگ ۸۵، والملاحم صفحة ۵۴.

الْمَهْدِيِّ، فَبَلَّتْهُ هُوَ الْهَاشِمِيُّ بِرَايَاتِ سُودٍ عَلَى
 مُقَدَّمَتِهِ شُعَيْبُ بْنُ صَالِحٍ فَبَلَّتْهُ هُوَ وَاصْحَابُ
 السُّفْيَانِيِّ بِبَابِ إِصْطَخَرَ فَتَكُونُ بَيْنَهُمْ مَلْحَمَةٌ
 عَظِيمَةٌ فَتُظْهِرُ الرَّايَاتُ السُّودُ وَتَهْرَبُ خَيْلُ
 السُّفْيَانِيِّ فَعِنْدَ ذَلِكَ يَتَمَنَّى النَّاسُ الْمَهْدِيَّ
 وَيَقْلُبُونَهُ».

یعنی: «هنگامی که سپاه سفیانی به سوی کوفه حرکت کند، نیروئی را به دنبال اهل خراسان گسیل می‌کند. اهل خراسان که برای جستجوی حضرت مهدی بیرون آمده‌اند، با یاران سید هاشمی. (سید حسنی) و پرچمهای سیاهی مصادف می‌شوند که مردی به نام «شعیب بن صالح» آنها را رهبری می‌کند. آنگاه در دروازه استخر^{۱۶} با سپاه سفیانی روبرو می‌شوند و جنگ سختی در می‌گیرد، پرچمهای سیاه پیروز می‌شوند و سپاه سفیانی پا به فرار می‌گذارند. در آن موقع مردم حضرت مهدی (عج) را آرزو می‌کنند و به جستجویش می‌پردازند».

این حدیث را نعیم بن حماد در «فتن»، جلال الدین سیوطی در «العرف الوردی»^{۱۷}، متقی هندی در برهان^{۱۸} و کنز العمال^{۱۹} و ابن حجر در «القول المختصر» نقل کرده‌اند.

نعیم بن حماد مروزی، روایت دیگری قریب به این مضمون در کتاب «فتن» به سند خود از جابر بن عبدالله انصاری نقل می‌کند که امام باقر (ع) فرمود: «جوانی از بنی هاشم که خالی در دست راست دارد، با پرچمهای سیاه از خراسان خروج می‌کند که «شعیب بن صالح» در

۱۶ - اصطخر یکی از شهرهای استان فارس است (معجم البلدان، جلد ۱ صفحه ۲۹۹).

۱۷ - الحاوی للفتاوی، جلد ۲ صفحه ۶۹.

۱۸ - البرهان فی علامات مهدی آخرالزمان، صفحه ۱۵۲.

۱۹ - کنز العمال، جلد ۱۴، صفحه ۵۸۸.

پیشاپیش او حرکت می‌کند، با سپاه سفیانی می‌جنگد او را شکست می‌دهد»^{۲۰}.

این حدیث را با اندک تفاوتی ابن حجر در «القول المختصر» از طریق ابن رمان از امیرمؤمنان (ع) نقل می‌کند.

حدیث هشتم:

ابن طفیل نقل می‌کند که امیرمؤمنان (ع) فرمود:

«يَا عَامِرُ! إِذَا سَمِعْتَ بِالرَّايَاتِ الشُّوْبَ مُقْبِلَةً مِنْ خُرَاسَانَ، فَكُنْتَ فِي صُنْدُوقِ مُقْفَلٍ عَلَيْكَ، فَالْكَيْزُ ذَلِكَ الْقُفْلَ وَذَلِكَ الصُّنْدُوقَ، حَتَّى تُقْتَلَ تَحْتَهَا فَإِنْ لَمْ تَسْتَطِعْ فَتَدَّ خَرَجَ حَتَّى تُقْتَلَ تَحْتَهَا».

یعنی: «ای عامر! هنگامی که بشنوی پرچمهای سیاه از خراسان به راه افتاده، و تو در داخل صندوق در بسته‌ای باشی، صندوق را بشکن، قفلش را بشکن تا در زیر آن پرچمها کشته شوی، اگر نتوانی آنرا بشکنی، آن را بغلطان تا خودت را به زیر آن پرچمها برسانی و در زیر آن کشته شوی».

این حدیث را متقی در کنز العمال، جلد ششم، صفحه ۶۸ به نقل از «سند علی» روایت کرده است.

جلال الدین سیوطی نیز آن را در کتاب «العرف الوردی» از ابوالحسن علی بن عبدالرحمن بن السری بکائی، نقل کرده، که شاید راه دیگری باشد جز آنچه ما نقل کردیم.

برادر ایمانی! روایات مربوط به «پرچمهای سیاه» بسیار فراوان است که برخی از آنها مربوط به پرچمهای بنی عباس باشد، از این رهگذر نیاز مبرمی به تحقق دارد و به همین دلیل من به همین چند روایتی بسنده کردم که به آنها اطمینان داشتم.

۲۰ - الملاحم والفتن، صفحه ۵۳.

احادیث این بخش قسمتی از تلاشهای دولت زمینه‌ساز حکومت حضرت مهدی (ع) را روشن می‌کند و به صراحت می‌رساند که دولت زمینه‌سازان در سرزمین خراسان خواهد بود.

شاید این پرسش در ذهن خواننده مطرح شود که این احادیث محلّ تأسیس این حکومت را در استان خراسان تعیین کرده است، پس نمی‌توان دولت اسلامی حاکم بر ایران را آن حکومت زمینه‌ساز تصور کرد؟!

در پاسخ می‌گوئیم: آنچه تصور کردی، دقیقاً درست است ولی روایات دیگری نیز داریم که دولت زمینه‌ساز حکومت اهل بیت را در دیگر شهرهای ایران بیان کرده است، روی این بیان بحث از خراسان به عنوان تعیین جهت است نه تعیین مقطع خاصّ. از طرف دیگر در گذشته مرسوم بود که مناطق را با نام معروفترین شهرهای آن می‌خواندند و پرواضح است که در گذشته خراسان مشهورترین شهر ایران بود.

روایاتی که از دیگر شهرهای ایران به عنوان محلّ تأسیس دولت زمینه‌سازان بحث کرده، در فصل چهارم تقدیم خواهد شد.

بخش چهارم

حکومت دولت زمینه سازان بر سراسر ایران

حدیث اول:

امیر مؤمنان علی بن ابی طالب (ع) می فرماید:

«وَيْحاً لِلظَّالِقَانِ، فَإِنَّ بِهَا كُنُوزاً لَيْسَتْ مِنْ ذَهَبٍ
وَلَا مِنْ فِضَّةٍ، وَلَكِنْ بِهَا رِجَالٌ عَرَفُوا اللَّهَ حَقَّ مَعْرِفَتِهِ،
وَهُمْ أَنْصَارُ الْمَهْدِيِّ فِي آخِرِ الزَّمَانِ»

یعنی: «شگفتنا از طالقان! که در آن معادن گرانبهائی است که از جنس طلا و نقره نیست، بلکه مردان با فضیلتی است که خداوند را به طور شایسته شناخته اند، آنها یاران مهدی در آخرالزمان هستند».

این حدیث را متقی هندی در کتاب «البرهان» از «فتن» ابو غنم کوفی نقل کرده است.^۱ و مقدسی شافعی آن را از کتاب «الفتوح» تألیف: ابونعیم کوفی نقل کرده است. ولی دکتر عبدالفتاح محمد الحلو، در پاورقی آن می نویسد: «شاید کلمه «ابونعیم» تحریف «ابن اعثم» باشد، زیرا کتاب «الفتوح» تألیف: ابن اعثم کوفی، متوفی ۳۱۴ هجری می باشد».^۲

۱ - البرهان، صفحه ۱۵۰.

۲ - عقد الدرر، صفحه ۱۲۲.

حدیث دوم:

اسماعیل بصری از پدرش نقل می‌کند که امام حسن مجتبی (ع)

فرمود:

«يَخْرُجُ بِالنَّارِ رَجُلٌ أَسْمَرُ مَوْلَى لِبَنِي تَمِيمٍ كَوْسَجٌ،
يُقَالُ لَهُ: شُعَيْبُ بْنُ صَالِحٍ، فِي أَرْبَعَةِ آلَافٍ نِيَابَتُهُمْ
بِیضٌ وَرَايَاتُهُمْ سُودٌ، يَكُونُ مُقَدِّمَةً لِلْمَهْدِيِّ، لِابْتِلَاقِهِ
أَحَدُ الْأَقْتَلَةِ».

یعنی: «در ری مردی متوسط قامه، کوسه، گندمگون، غلام
بنی تمیم، به نام «شعیب بن صالح» خروج می‌کند، چهار هزار نفر با
جامه‌های سفید و پرچمهای سیاه او را همراهی می‌کنند. این سپاه مقدمه
ظهور حضرت مهدی است، با نیروی روبرو نمی‌شوند، جز اینکه آن را
ریشه کن می‌سازند».

این حدیث را نعیم بن حماد به سند خود از اسماعیل بصری از امام
حسن مجتبی علیه السلام^۳ و جلال الدین سیوطی، با اندک تفاوتی از امام
حسین علیه السلام نقل کرده است.^۴

سید بن طاوس، حدیث دیگری در این رابطه از معاذ بن جبل نقل
کرده است. وی می‌گوید: من، ابو عبیده جراح و سلیمان نشسته بودیم که
پیامبر اکرم (ص) در وسط ظهر و هوای بسیار گرم با اضطراب و دلهره
بیرون آمد و ما را صدا کرد و قسمتی از اخبار ملاحم و فتنه‌های
آخر الزمان را برای ما بیان کرد و سپس فرمود:

«آنگاه شعیب بن صالح تمیمی (که خداوند سرزمینهایش را با
باران رحمتش سیراب کند) با پرچمهای سیاه مهدوی خروج می‌کند و

۳ — الملاحم و الفتن، صفحه ۵۳.

۴ — الحاوی للفتاوی، جلد ۲ صفحه ۶۸،

خداوند نصرتش را بر او نازل می‌کند، تا در میان رکن و مقام با آن حضرت بیعت می‌کند»^۵.

حدیث سوّم:

حضرت موسی بن جعفر (علیهما السلام) می‌فرماید:

«يَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ قَمٍّ، يَدْعُو النَّاسَ إِلَى الْحَقِّ،
يَجْتَمِعُ مَعَهُ قَوْمٌ كَزُبْرِ الْحَدِيدِ، لَا تُزِلُّهُمْ الرِّيحُ
وَالْعَوَاصِفُ، وَلَا يَمْلَوْنَ مِنَ الْحَرْبِ، وَلَا يَجْبُونَ،
وَعَلَى اللَّهِ يَتَوَكَّلُونَ، وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ».

یعنی: «مردی از اهل قم خارج می‌شود و مردم را سوی حق فرا می‌خواند، مردمی فولادین گرد او جمع می‌شوند، که تند بادهای آنها را نلرزاند و از جنگ خسته نمی‌شوند و ترسی به خود راه نمی‌دهند. بر خدا توکل می‌کنند و عاقبت از آن پرهیزکاران است.

این حدیث را علامه مجلسی در دائرة المعارف بزرگ «بحار»^۶ نقل کرده است.

در حدیث دیگری امام صادق (ع) در پیرامون اهمیت شهر قم می‌فرماید:

«وَسَيَأْتِي زَمَانٌ تَكُونُ بَلَدُهُ قَمٌّ وَأَهْلُهَا حُجَّةً عَلَى
الْخَلَائِقِ، وَذَلِكَ فِي زَمَانٍ غَيْبَةِ قَائِمِنَا إِلَى
ظُهُورِهِ».

یعنی: «زمانی پیش می‌آید که شهر قم و مردمان آن بر همه مخلوقات حجّت می‌باشد، و آن در زمان غیبت قائم ما تا ظهور اوست»^۷.
پرواضح است که «حجّت» بودن قم، به وسیله علما و مراجع آنست که در مکتب امام جعفر صادق (ع) تحصیل نموده، مردم جهان را

۵ - الملاحم والفتن، صفحه ۱۳۷.

۶ - بحار الانوار، جلد ۶۰ صفحه ۲۱۳.

۷ - منتخب الاثر، صفحه ۲۶۳.

به سوی تعالیم عالیة اسلام دعوت می‌کنند. چنانکه امام صادق (ع) در این رابطه می‌فرمایند:

«سَتَخْلُو كُوفَهُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ، وَيَأْزُرُ عَنْهَا الْعِلْمُ
كَمَا تَأْزُرُ الْحَيْثُ فِي حُجْرِهَا، ثُمَّ يَظْهَرُ الْعِلْمُ بِبِلْدَةِ
يُقَالُ لَهَا قَمٌ، وَتَصِيرُ مَعْدِنًا لِلْعِلْمِ وَالْفَضْلِ حَتَّى
لَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ مُسْتَضْعَفٌ فِي الدِّينِ حَتَّى
الْمُخَدَّرَاتِ فِي الْجِبَالِ، وَذَلِكَ عِنْدَ قُرْبِ ظُهُورِ
قَائِمِنَا، فَيَجْعَلُ اللَّهُ قَمٌ وَأَهْلَهَا قَائِمِينَ مَقَامَ
الْحُجَّةِ».

یعنی: «به زودی کوفه از مؤمنین خالی می‌شود و علم از آن جمع می‌شود، چنانکه مار در لانه‌اش جمع می‌شود، آنگاه علم در شهری به نام «قم» ظاهر می‌شود و آنجا معدن دانش و فضیلت می‌شود و در روی زمین احدی مستضعف در دین (ناآگاه در دین) یافت نمی‌شود، حتی زنان پرده‌نشین، و آن در نزدیکی ظهور قائم ماست. آنگاه خداوند قم و اهل قم را جانشین حجت خدا قرار می‌دهد».^۸

حدیث چهارم:

از پیامبر اکرم (ص) روایت شده که فرموده:

«يَخْرُجُ بِقَرْوِينَ رَجُلٌ إِسْمُهُ إِسْمُ نَبِيِّ يَسْرَعُ النَّاسُ
إِلَى طَاعَتِهِ الْمُشْرِكُ وَالْمُؤْمِنُ، يَمْلَأُ الْجِبَالَ خَوْفًا».

یعنی: «مردی که از قزوین خروج می‌کند که با یکی از پیامبران همنام است، همه مردم (اعم از مؤمن و مشرک) به سوی او می‌شتابند. کوهها را با ترس و وحشت پر می‌کند».

این روایت را علامه مجلسی از غیبت شیخ طوسی نقل کرده

است.^۹

۸ - منتخب الاثر، صفحه ۴۴۳.

۹ - بحار الانوار، جلد ۵۲ صفحه ۲۱۳.

حدیث پنجم:

معروف بن خربوذ می‌گوید: ما هرگز به خدمت امام باقر (ع) نرسیدیم، جز اینکه می‌فرمود: «خراسان، خراسان، سجستان، سجستان!»، گوئی با این کلمات می‌خواست ما را مژده بدهد. این روایت را نیز علامه مجلسی از غیبت نعمانی نقل کرده است.^{۱۰}

حدیث ششم:

عمر بن سعد از امیرمؤمنان (ع) یک حدیث طولانی در مورد علامات ظهور نقل کرده، که فرازهای کوتاهی را از آن در اینجا می‌آوریم: «الْوَيْلُ لِشِيعَةِ وُلْدِ الْعَبَّاسِ * مِنَ الْحَرْبِ...» «تِلْكَ حَرْبٌ صَعَالِيكٍ شِيعَةِ عَلِيٍّ، يُقَدِّمُهُمْ رَجُلٌ مِنْ هَمْدَانَ اسْمُهُ عَلِيُّ اسْمِ النَّبِيِّ (ص)».

یعنی: «وای بر پیروان بنی‌العباس از جنگ... این جنگی است که فقرای شیعیان علی (ع) به رهبری مردی از همدان همنام پیامبر اکرم (ص) بر پا می‌کنند».

این روایت را علامه مجلسی از «الغیبه» نعمانی نقل کرده است.^{۱۱}

از روایات این بخش به دو نتیجه مهم می‌رسیم:

۱ — دولت زمینه‌سازان حکومت امام زمان (عج) همه شهرهای ایران را تحت سیطره خود در می‌آورد و همه توطئه‌های استعمارگران برای تجزیه این میهن اسلامی عقیم می‌ماند.

۲ — پیدایش این دولت در نزدیک ظهور حضرت بقیة الله (عج) خواهد بود. (انشاء الله)

۱۰ — بحار الانوار، جلد ۵۲ صفحه ۲۴۳.

۱۱ — بحار الانوار، جلد ۵۲ صفحه ۲۲۷.

بخش پنجم

استمرار و ادامه دولت زمینه سازان تا ظهور حضرت مهدی (عج)

از دور راه می توان استمرار حکومت زمینه سازان و عدم سرنگونی آن را تا ظهور حضرت بقیة الله (عج) الهام گرفت:
یکی از نفس مفهوم «زمینه سازی»:

تعبیر «زمینه سازی» که از رسول اکرم (ص) در احادیث یاد شده به ما رسیده می رساند که حکومت زمینه سازان تا ظهور آن حضرت ادامه می یابد. فی المثل در حدیث اول از بخش نخستین می فرماید: «مردمانی از مشرق زمین برمی خیزند و زمینه را برای حکومت حضرت مهدی فراهم می کنند». از تعبیر «زمینه» استفاده می شود که دولت زمینه سازان به یک مرکز نیرومندی تبدیل می شود که بر پایه های تقوی و فضیلت استوار شده، تجربیات فراوان رزمی می اندوزند و بهترین نقطه شروع را برای اقامه عدالت و مبارزه بر ظلم و ستم به وجود می آورند. طبیعی است که حضرت ولی عصر (عج) به سپاه مجهز و تجربه اندوخته ای نیاز دارد که گذشته از ایمان استوار، روح سلحشوری و تجربه جنگاوری نیز داشته باشند.

دیگر از بررسی متن احادیث:

بررسی متون احادیث یاد شده نیز استمرار دولت زمینه سازان را تا

ظهور حضرت بقیة الله (عج) می‌رساند. و اینک نگاهی گذرا را به چند نمونه از احادیث یاد شده در بخشهای پیشین:

- ۱ — «زمینه را برای حکومت حضرت مهدی فراهم می‌کنند».^۱
- ۲ — «به سوی جوان تمیمی بشتابید که از طرف خاور زمین می‌آید، که او پرچمدار حضرت مهدی است».^۲
- ۳ — «آنها پرچمهای هدایت‌اند، آنها را به مردمی از اهلبیت من می‌سپارند که همنام با من است».^۳
- ۴ — «زمینه را برای آل محمد (ص) فراهم می‌کنند، چنانکه قریش زمینه را برای رسول اکرم (ص) فراهم نمود».^۴
- ۵ — «به سوی آنها بشتابید ولو با سینه خیز رفتن از روی برفها، که جانشین حضرت مهدی در میان آنهاست».^۵
- ۶ — «میان خروج او و تسلیم امر به پیشگاه حضرت مهدی (عج) ۷۲ ماه فاصله خواهد بود».^۶
- ۷ — «شگفتا به طالقان... که آنها یاران مهدی آخر الزمان می‌باشند».^۷
- ۸ — «که آن سپاه مقدمه ظهور حضرت بقیة الله است».^۸
- ۹ — «اگر من چنین روزی را درک می‌کردم جانم را فدای صاحب این امر می‌نمودم».^۹

۱ — حدیث اول از بخش اول.

۲ — حدیث پنجم از بخش اول.

۳ — حدیث دهم از بخش اول.

۴ — حدیث اول از بخش دوم.

۵ — حدیث اول از بخش سوم.

۶ — حدیث ششم از بخش سوم.

۷ — حدیث اول از بخش چهارم.

۸ — حدیث دوم از بخش چهارم.

۹ — حدیث دهم از بخش اول.

و روشنتر از همه:

۱۰ — «آن را به کسی جز صاحب شما تسلیم نمی‌کنند». ۱۰
که به خوبی می‌رساند دولت زمینه‌سازان تا روز ظهور حضرت
مهدی (عج) ادامه می‌یابد و آنها نیروهای خود را به دست آن حضرت
می‌سپارند.

بخش ششم

چه کسی دولت زمینه سازان را رهبری می کند؟

اما پرسش شما در مورد اینکه چه کسی دولت زمینه سازان را رهبری می کند؟ در این زمینه نیز احادیثی از اهل بیت عصمت و طهارت رسیده است که غالباً به صورت رمز و اشاره است و از صراحت در مورد هویت سیاسی و اجتماعی وی خودداری گردیده تا در طول حکومت رژیمهای ستمگر جانش محفوظ بماند، چنانکه سنت خدا در نگهداری اولیای خود چنین است. خداوند اولیای خود را حفظ می کند تا آنها نیز حریم مقدسات را حفظ کنند و شریعت او را از دستبرد دشمنان حفاظت نمایند. او خداوندیست که حضرت ابراهیم را در میان شعله های آتش حفظ کرد، حضرت یونس را از شکم ماهی رهائی داد، حضرت موسی را در خانه فرعون تربیت کرد و از گزند او نگهداشت، دیگری را به صورت عیسی در آورد و حضرت عیسی را به آسمانها برد. چنین خدائی قادر است پیشوای زمینه سازان را در میان رژیمهای طاغوتی و فرعونیی ایران و عراق آنها پس از آنکه ۱۵ سال در عراق می زیسته حفظ فرماید همچنانکه موقعی که در پایتخت فرانسه (پاریس) مصالح و منافع مادی اروپا را تهدید می کرد تحت توجهات خود حفاظت نموده است و او را به تشکیل حکومت زمینه سازان موفق بدارد.

و اینک فرازهائی از احادیث گذشته را برای تو می آورم:

۱ — «مردی از اولاد امام حسین (ع) از طرف مشرق برمی خیزد، که اگر کوهها در برابرش خونمائی کنند، آنها را می شکند و از میان آنها راهی برمی گزیند».^۱

۲ — «مردی از تبار حضرت مهدی پیش از او در خاور زمین خروج می کند».^۲

۳ — «مردی به نام «حارث» از ماوراءالنهر خروج می کند که زمینه را برای آل محمد (ص) فراهم می کند».^۳

۴ — «مردی از قم خروج کرده، مردم را به سوی حق دعوت می کند».^۴

۵ — «مردی در قزوین خروج می کند که همنام یکی از پیامبران است.. کوهها را پر از ترس و وحشت می کند».^۵

و اینک از مجموع فرازهائی یاد شده در می یابیم که پیشوای دولت زمینه سازان یک سید هاشمی از تبار امام حسین و همنام یکی از پیامبران است و مردم را به سوی حق دعوت می کند.^۶

منظور از «حق» در این حدیث همان اسلام است که قرآن کریم می فرماید:

«أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ مَنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَى، فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ».

یعنی: «آیا کسی که به سوی حق قرا می خواند برای پیروی شایسته تر است، یا کسی که خود هدایت نمی یابد جز پس از آنکه دیگری هدایتش نماید، پس چگونه داوری می کنید؟».^۷

۱ — حدیث ششم از بخش اول.

۲ — حدیث هفتم از بخش اول.

۳ — حدیث اول از بخش دوم.

۴ — حدیث چهارم از بخش چهارم.

۷ — یونس: ۳۵.

رهبر تو جهاد در راه خدا را بسیار دوست دارد و از این رهگذر دشت و صحرا را پر از ترس و هیبت خویش می‌نماید. زیرا یکی از بزرگترین مسئولیتهای او زمینه‌سازی برای ظهور یگانه منجی جهان بشریت حضرت بقیة الله (عج) می‌باشد. و به همین دلیل بزرگترین مانور جنگی او متوجه بیت المقدس است که برای آزاد سازی اراضی مقدسه از دست رژیم اشغالگر اسرائیل، به سوی بیت المقدس روی می‌آورد

اگر گفته شود چگونه ابرفدرتها اجازه می‌دهند که چنین موفقیت چشمگیری نصیب او شود؟ می‌گوئیم: آری چنین است، ولی خدای خواسته که او را نیرو دهد و توفیق عطا کند و به چنین کار شایسته‌ای موفق بدارد. که می‌فرماید: «اگر کوهها در برابرش خودنمایی کنند، آنها را بر می‌کند و از ویرانه‌های آن راهی برمی‌گزیند».^۸ امید است رساله مفصل‌تری در این رابطه تألیف کرده، نشانه‌های بیشتری برایت بازگو نمائیم. و در پایان همین رساله خطبه مفصلی از مولای متقیان امیرمؤمنان (ع) نقل خواهیم کرد که روشنگری بیشتری پیرامون پیشوای دولت زمینه‌سازان دارد و شاید برخی از فرازهای آن اشاره به جنایات رژیم سابق و برخی از فرازهایش اشاره به جنگ تحمیلی صدام کافر بر علیه جمهوری اسلامی باشد.

بخش هفتم

موضع گیری دولتهای شرق و غرب در برابر دولت زمینه سازان

احتمالاً به ذهن شما این پرسش آمده است که آیا امامان اهل بیت از موضع گیری رژیمهای ستمگر شرق و غرب در برابر دولت زمینه سازان خبر داده اند، یا خیر؟! آیا رژیمهای ستمگر در برابر این حکومت نوپا که در جهت گیری سیاسی با همه کشورهای جهان تفاوت دارد چه موضعی خواهند گرفت؟

در پاسخ باید بگوییم: آری، پیشوایان معصوم از آن خبر داده اند که ما در اینجا دو حدیث به عنوان نمونه می آوریم:

حدیث اول:

ابان بن تغلب از امام صادق (ع) نقل می کند که فرمود:
«إِذَا ظَهَرَتْ رَأْيَةُ الْحَقِّ، لَعَنَهَا أَهْلُ الشَّرْقِ وَالْغَرْبِ،
آتَدْرِي لِمَ ذَلِكَ؟ قُلْتُ: لَا، قَالَ: لِأَنَّيَ يَلْقَى النَّاسُ
مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ قَبْلَ خُرُوجِهِ».

یعنی: «هنگامی که پرچم حق ظاهر شود، مردم شرق و غرب جهان آن را لعنت می کنند!! آیا می دانی چرا؟! گفتم، نه. فرمود: به سبب

آنچه مردم از اهل بیت آن حضرت پیش از ظهور او می بینند». این روایت را نعمانی در «الغیبه» خود آورده، و علامه مجلسی آن را از آن نقل کرده است.^۱

حدیث دوم:

منصور بن حازم از امام صادق (ع) نقل می کند که فرمود:
«إِذَا رُفِعَتْ رَايَةُ الْحَقِّ لَعَنَتَهَا أَهْلُ الشَّرْقِ وَالْغَرْبِ،
قُلْتُ لَهُ: مِمَّ ذَلِكَ؟! قَالَ: مِمَّا يَلْقَوْنَ مِنْ بَنِي
هَاشِمٍ قَبْلَهُ».

یعنی: «هنگامی که پرچم حق برافراشته شود، همه مردم شرق و غرب آن را لعن می کنند. پرسیدم: چرا؟ فرمود: به سبب آنچه از بنی هاشم می بینند پیش از آن».

این حدیث را نعمانی با سند خود از منصور بن حازم از امام صادق (ع) نقل کرده، و علامه مجلسی آن را از «غیبت نعمانی» نقل کرده است.^۲

برادر گرامی!

نظر ترا به یک نکته مهم جلب می کنم که در مطالعات خود از آن بهره مند شوی، و در فهم این دو حدیث نیز ترا سودمند باشد، و آن اینکه: پیامبر اکرم (ص) و پیشوایان معصوم (ع) به هنگام گفتگو از امم مختلف جهان و پیروان ادیان دیگر اصطلاحات خاصی دارند که آن اصطلاحات را بکار می برند و قوم خاصی را اراده می کنند. فی المثل: هر گاه کلمه «ناس» یا «اهل شرق و غرب» تعبیر کنند، ملل غیرمسلمان را اراده می کنند، «اهل روم» هرگاه بگویند، مسیحیان را اراده می کنند، تو نیز

۱ - بحار الانوار جلد ۵۲ صفحه ۳۶۳.

۲ - بحار الانوار، جلد ۵۲ صفحه ۳۶۳.

می‌توانی در مطالعات خود این اصطلاحات را منظور کنی و دیگر اصطلاحات اهل بیت عصمت و طهارت را از مطالعه کتب احادیث به دست آوری.

بر این اساس دو کلمه: «ناس» و «اهل شرق و غرب» در دو حدیث یاد شده، اشاره است به رژیمهای ستمگر شرق و غرب که به آئین اسلام ایمان نیاورده‌اند، و طبعاً این تعبیر در درجهٔ اول شامل رژیمها می‌شود، و در درجهٔ دوم ملت‌های شرق و غرب را در بر می‌گیرد، که مصالح و منافع خود را در زیر پای دولت زمینه‌سازان لگدمال شده می‌بینند، که دولت زمینه‌سازان، دست آنها را از چپاولگری و به یغما بردن ثروت‌های جهان اسلام کوتاه می‌کند.

هنگامی که حضرت بقیة الله (عج) ظهور فرموده، پرچم حق را بر افرازد، رژیمهای استکباری شرق و غرب آن را لعن می‌کنند و به نور آن هدایت نمی‌یابند، بلکه برضلالت و گمراهی و غرور خود می‌افزایند. زیرا آنها مصالح استعماری خود را با پیاده شدن برنامه‌های عادلانهٔ آن «عدل منتظر» در خطر می‌بینند، که پیشتر به دست دولت زمینه‌سازان قسمتی از منافع خود را از دست داده‌اند و می‌دانند که حضرت بقیة الله (عج) روی زمین را از لوث طاغوتها پاک و پاکیزه خواهد نمود.

بخش هشتم

مسئولیت مسلمانان در برابر دولت زمینه سازان

در اینجا یک نکته ناگفته ماند و آن مسئولیت شرعی ما در برابر دولت زمینه سازان است.

برادر ایمانی! من نمی‌خواهم در اینجا از وظایف شرعی عمومی در برابر دولت‌های اسلامی نوپا، سخن بگویم که مبانی اعتقادی ما آن را روشن کرده است و تو به خوبی بدان آگاهی داری. که هر کجا یک دولت اسلامی تأسیس شود، مسئولیتهایی برای تو، طبق مبانی عقیدتی ات به وجود می‌آورد، و همین مسئولیتهای در برابر دولت زمینه سازان نیز موجود است ولی دوست دارم که در این بخش از وظیفه مشخصی که در روایات به طور خصوص در مورد دولت زمینه سازان آمده است، گفتگو کنم. هنگامی که روایات را در این زمینه مورد بررسی قرار می‌دهیم آنها را بر دو گروه می‌یابیم:

۱ - گروهی که پیامبر اکرم (ص) از لزوم همراهی با دولت زمینه سازان سخن گفته، بر لزوم دفاع از آنها تأکید نموده است. که از آن جمله است حدیث زیر، که امام حسن مجتبی (ع) از رسول گرامی اسلام (ص) نقل می‌کند:

«پس از آنکه از گرفتاری اهل بیتش سخن گفت، از پرچم سیاه خاورزمین بحث کرده فرمود: هر کس آن را یاری کند، خداوند او را یاری می‌کند و هر کس آن را خوار سازد، خداوند او را خوار و زبون می‌سازد...».

و فرمود: «مردی به نام حارث از ماوراءالنهر خروج می‌کند... بر هر مسلمانی واجب است که او را یاری کند».^۱

در این احادیث از کیفیت کمک‌رسانی به دولت زمینه‌سازان گفتگو نشده، بلکه به خود مسلمانان موعول شده، تا هر کس به مقداری توانائی خود به یاری آنها بشتابد.

۲ — گروهی که از ورود لشکر سفیانی به کشور عراق و خونریزی در آن سخن گفته، که در چنین مقطع حساسی سپاه زمینه‌سازان از خراسان حرکت می‌کند، با پرچمهای سیاه کوچک، به رهبری مردی به نام شعیب بن صالح» برای رودرروئی با سپاه سفیانی به سوی عراق می‌شتابد. رسول اکرم (ص) به مسلمانان دستور می‌دهد که به سپاه «شعیب بن صالح» بپیوندند و دست بیعت به او بدهند، که او در عملیات فتح دمشق فرمانده سپاه حضرت مهدی (عج) خواهد بود. که این حدیث مفهوم زمینه‌سازان را دقیقاً مشخص می‌کند. و اینک چند فراز از احادیث گذشته به عنوان نمونه نقل می‌شود:

- ۱ — «هر کس آنها را بشنود، به سوی آنها بشتابد و با آنها بیعت کند، اگر چه با سینه‌خیز رفتن روی برفها باشد»!^۲
- ۲ — «هنگامی که او را دیدید، به سوی جوان تمیمی (شعیب بن صالح) بشتابید که او پرچمدار حضرت مهدی است».^۳
- ۳ — «چون پرچمهای سیاه از سوی خراسان روی آورد، به سوی آن بشتابید، اگر چه ناگزیر شوید که از روی برفها سینه‌خیز بروید».^۴
- ۴ — «چون مهدی (عج) در مکه ظاهر شود، این پرچمها برای بیعت به سوی آن حضرت گسیل می‌شود»^۵

۱ — حدیث اول از بخش دوم.

۲ — حدیث سوم از بخش اول.

۳ — حدیث پنجم از بخش اول.

۴ — حدیث اول از بخش سوم.

۵ — حدیث چهارم از بخش سوم.

و مهمتر از همه:

۵ — «ای عامر! اگر شنیدی که پرچمهای سپاه از خراسان حرکت کرده، اگر در صندوق در بسته‌ای باشی، صندوق و قفل آن را بشکن و تلاش کن که در زیر آن پرچمها کشته شوی».^۶

از این روایات استفاده می‌شود هر گاه دولت زمینه‌سازان به رهبری «شعیب بن صالح» با سپاه سفیانی روی در روی قرار گرفت، بر همه مسلمانان لازم است که زیر پرچم شعیب بن صالح با سپاه سفیانی به نبرد برخیزند.

بخش نهم

لشکریان و پاسداران دولت زمینه سازان

از دیدگاه روایات

روایاتی که در پیرامون اوصاف و ویژگیهای سپاهیان دولت زمینه سازان آمده بسیار فراوان است، لذا برایم آسان نبود که در این فرصت کوتاه، آنها را گرد آورم، و اگر می توانستم آنها را گرد آورم خود کتاب بزرگی می شد. ولی در اینجا به نقل چند نمونه از آنها بسنده می کنیم:

نام و نشانی آنها:

۱ — «نسبت آنها به دهات و اسامی آنها کنیه های آنهاست».^۱
یعنی: آنها به عشیره ها و قبیله های خود نسبت داده نمی شوند، بلکه به دهات و شهرهای خود نسبت داده می شوند، اگر از یکی از آنها پرسیده شود که چه نسبتی دارد، می گوید: من قمی، اصفهانی، تهرانی، خراسانی هستم. و بیشتر اسامی آنها چون: ابوالفضل و ابوالقاسم کنیه آنهاست.

۱ — حدیث هشتم از بخش اول.

دلیری آنها:

۲ - «آن چنان می‌جنگند که تاریخ چنین جنگی را به خاطر ندارد».^۲

۳ - «سه ساعت رحم و شفقت از آنها برداشته می‌شود».^۳
یعنی: به هنگام فتح دمشق، و آزاد سازی آن از دست سفیانی‌ها، بدون هیچ تردید و رفتی پیش می‌تازند و در مدت سه ساعت سپاه سفیانی را تار و مار می‌سازند. و شجاعتی از خود نشان می‌دهند که در تاریخ سابقه ندارد.

پرچم ایشان و وابستگی آنها به حضرت مهدی (عج):

۴ - «آنها صاحبان پرچمهای سیاه و مستضعفان روی زمین هستند که خداوند آنها را به عزت می‌رساند و نصرتش را بر آنها نازل می‌کند، احدی در برابر آنها نمی‌ایستد، جز اینکه شکست می‌خورد، شعار آنها اَمْتُ اَمْتُ» می‌باشد».^۴

در این حدیث اشاره لطیفی است به شور شهادت و علاقه زاید الوصف آنها به کشته شدن در راه خدا، و اشاره ایست به مبتلا شدن آنها به جنگهایی که از طرف کشورهای همسایه بر آنها تحمیل می‌شود. و چه بسا اشاره به جنگی باشد که حکام بغداد بر آنها تحمیل کرده‌اند.

۵ - «احدی با آنها روبرو نمی‌شود، جز اینکه شکستش می‌دهند و برآنچه در دستش هست دست می‌یابند، تا پرچمهایشان به بیت المقدس نزدیک شود».^۵

۲ - حدیث چهارم از بخش اول.

۳ - حدیث هشتم از بخش اول:

۴ - حدیث نهم از بخش اول.

۵ - حدیث سوم از بخش سوم.

از این حدیث استفاده می‌شود که دولت زمینه‌سازان در جنگهای خود پیروز می‌شود در این حدیث همچنان اشاره به یکی از هدفهای آن می‌شود که خود زمینه‌ساز حکومت مهدی و عبارت است از حرکت به سوی قدس است. و با غنیمتهای جنگی متوجه بیت المقدس می‌شود.

۶ — «قومی که چون فولاد هستند، تند بادها آنها را متزلزل نمی‌سازد. از جنگ ملول نمی‌شوند و ترس به خود راه نمی‌دهند و به خدا توکل می‌کنند و عاقبت از آن پرهیزکاران است.»^۶

در اینجا اشاره‌ایست به بی‌اعتنائی آنها به تبلیغات زهرآگین دشمنان، و استقامت آنها در ادامه جنگ، و شجاعت آنها در برابر دشمنان، و پیروزی پرهیزکاران بر تبه‌کاران. علیرغم اینکه هر نوع سلاحی را بکار گیرند و پیروزی نهایی از آن آنهاست «والعاقبة للمتقين».

۷ — «این، جنگ فقرای شیعیان علی (ع) است.»^۷

۸ — «آنها مستضعفان و صاحبان پرچمهای سیاه هستند.»^۸

۹ — «آنها پرچمهای هدایت‌اند، که آنها را به مردی از اهل بیت من تسلیم می‌کنند.»^۹

۱۰ — «آن را به کسی جز صاحب شما تسلیم نمی‌کنند.»^{۱۰}

۱۱ — «آنها مردانی هستند که خدا را به شایستگی شناختند و آنها

یاران مهدی آخرالزمان هستند.»^{۱۱}

۱۲ — «زمینه حکومت حضرت مهدی را فراهم می‌سازند و ۳۰۰ نفر

از شام به یاری آنها می‌شتابند.»^{۱۲}

۶ — حدیث سوم از بخش چهارم.

۷ — حدیث ششم از بخش چهارم.

۸ — حدیث نهم از بخش اول.

۹ — حدیث دهم از بخش اول.

۱۰ — حدیث دهم از بخش اول.

۱۱ — حدیث اول از بخش چهارم.

۱۲ — حدیث ششم از بخش سوم.

۱۳ - «حق فرمانبرداری از مهدی (عج) را ادا می‌کنند». ۱۳

در اینجا روایتی دیگر می‌افزائیم که آن را اصبع بن نبی‌تاه از امیرمؤمنان نقل کرده است. امیرمؤمنان در این حدیث طولانی از ورود پرچمهای سیاه به سرزمین عراق، برای رو در روئی با سپاه سفیانی سخن می‌گوید، و این پرچمها را بسیار نیکو می‌ستاید:

۱۴ - «پرچمهای بی‌نشانی از خاور زمین به راه می‌افتند که از جنس پنبه و کتان و ابریشم نیست و در قسمت بالای آنها جای مهر رسول اکرم (ص) موجود است.

آنها را مردی از آل محمد (ص) سوق می‌دهد و در مشرق زمین ظاهر می‌شود و عطر آن در مغرب زمین شنیده می‌شود. ترس و وحشت از آنها در فاصله یکماه مسافت پیش می‌رود. تا وارد کوفه شوند و خون پدرانشان را مطالبه کنند»^{۱۴}.

امام صادق (ع) آنان را بسیار جالب و جامع توصیف کرده می‌فرماید:

«او را در طالقان اندوخته گرانبھائی است که از جنس طلا و نقره نیست، بلکه پرچمی است که از روزی که در هم پیچیده شده، دیگر باز نشده است و مردانی است که دلھایشان همچون قطعات آهن است، هرگز شک و تردید به دل آنها راه نیابد. آنها از سنگ سخت‌ترند اگر به کوهها حمله برند از جای برکنند. با این پرچم به شهری حمله نکنند جز اینکه ویران سازند. گوئی اسبھایشان عقاب تیز پرواز است. به زین اسب امام (ع) دست می‌کشند و تبرک می‌جویند، پروانه وار شمع وجود امام را در میان می‌گیرند و خود را سپر او قرار می‌دهند. آنها مردانی هستند که شبها را با عبادت سپری می‌کنند. آوای نماز و نیازشان چون صدای کندوی عسل

۱۳ - حدیث سوم از بخش اول.

۱۴ - بحار الانوار، جلد ۵۲ صفحه ۲۷۴.

است، شبها نماز گزارند. و روزها آمادهٔ نبرد، زاهدان شب و شیران روزند. آنها برای امامشان مطیع‌تر از کنیزی هستند که در اطاعت مولایش باشد. آنها مشعل‌هایی هستند که گوئی دل‌هایشان قندیل نور است، از ترس خدا بیمنا کند. شور شهادت، در سرو آرزوی شهادت در راه خدا را در دل دارند. شعارشان «يَا لثَّارَاتِ الْحُسَيْنِ» (ای خونخواهان خون حسین) است. چون حرکت کنند، فاصلهٔ مسیری یک ماه را با رعب و وحشت پر می‌کنند. دسته‌دسته به سوی مولی می‌شتابند. خداوند به وسیلهٔ آنها امام حق را یاری می‌فرماید». ۱۵

بخش دهم

بخش پایانی نامه

در پایان مقایسه‌ای کوتاه میان انقلاب امت مسلمان ایران در برابر رژیم ستمگر طاغوت و پیروزی آنها تا اعلام جنگ صدام آمریکایی کافر علیه جمهوری اسلامی، با فرازهایی از یک حدیث بسیار ارزنده و جامع از امیرمؤمنان (ع) می‌آورم، تا ببینی امیرمؤمنان (ع) چهارده قرن پیش چگونه رویدادهای امروزی را در میان اخبار فتنه‌ها و آشوبها پیش‌بینی فرموده، و شاید از این فرازها دریابی که انشاءالله فرج نزدیک است و ما در آستانه ظهور آن یکتار منجی جهان بشریت قرار گرفته‌ایم. این خطبه بسیار طولانی است و ما فقط چند فرازی را از آن در اینجا می‌آوریم، که نخست از شیوه ستمگرانه طاغوتیان در برابر شیعیان و به ویژه فرزندان حضرت زهرا (س) سخن می‌گوید و سپس حوادثی را با رمز و اشاره بیان می‌کند و اینک چند فراز از متن خطبه:

۱ - «وَيُحِ لِفَرَاخٍ، فَرَاخِ آلِ مُحَمَّدٍ (ص) مِنْ خَلِيفَةٍ
جَبَّارٍ عَتْرِيفٍ مُتْرَفٍ مُسْتَخْفٍ بِخَلْفِي وَخَلْفِ
الْخَلْفِ، وَبِاللَّهِ لَقَدْ عَمِلْتُ تَأْوِيلَ الرُّسُلَاتِ وَإِنْجَازَ
الْعِدَاتِ وَتَمَامَ الْكَلِمَاتِ».

۲ - «وَلَيْكُونَنَّ مَنْ يَخْلُقُنِي فِي أَهْلِ بَيْتِي رَجُلٌ
يَأْمُرُ بِاللَّهِ قَوِيًّا، يَحْكُمُ بِحُكْمِ اللَّهِ، وَذَلِكَ بَعْدَ
زَمَانٍ مُكَلِّجٍ مُفْضِحٍ يَشْتَدُّ فِيهِ الْبَلَاءُ، وَيَنْقَطِعُ فِيهِ
الرَّجَاءُ وَيَقْبَلُ فِيهِ الرِّشَاءُ».

۳ - «فَعِنْدَ ذَلِكَ يَبْعَثُ اللَّهُ رَجُلًا مِنْ شَاطِئِ دَجَلَةَ
لِأَمْرِ حِزْبِهِ، يَحْمِلُهُ الْحِقْدُ عَلَى سَفْكِ الدَّمَاءِ فِي
سِتْرِ وَغِطَاءٍ، فَيَقْتُلُ قَوْمًا وَهُوَ عَلَيْهِمْ غَضَبَانٌ،
شَدِيدُ الْحِقْدِ حِرَانٌ، فِي سَنَةِ بُخْتَنْصَرِ، يَسُومُهُمْ
خَسْفًا وَيَسْقِيهِمْ كَأْسًا».

۴ - «مَصِيرُهُ سَوْطٌ عَذَابٍ وَسَيْفٌ دَمَارٍ».

۵ - ثُمَّ يَكُونُ بَعْدَهُ هَنَاتٌ وَأُمُورٌ مُشْتَبِهَاتٌ إِلَّا مِنْ
شَطِّ الْفُرَاتِ إِلَى النَّجْفَاتِ بِأَبَا إِلَى الْقَطَقَطَايَاتِ،
فِي آيَاتٍ وَأَفَاتٍ مُتَوَالِيَاتٍ، يَخْدِئُنَّ شَكَّابَعَدَ
يَقِينٍ».

ترجمه:

۱ - «آه از جوجه‌ها! جوجه‌های آل محمد (ص)! از یک خلیفه
ستمگر پلید کور دل، که جانشین من و جانشینان جانشینم را خوار
می‌شمارد! به خدا سوگند، من تاویل رسالتها، فرا رسیدن و عده‌ها، و فرجام
گفته‌ها را می‌دانم».

۲ - «به طور قطع و حتم جانشینی برای من از اهل بیت من
خواهد آمد که مردی بسیار نیرومند است، به امر خدا فرمان می‌دهد و به
حکم خدا داوری می‌کند، و آن پس از یک زمان بسیار سخت و دشواری
است که بلاها به اوج رسیده و امیدها قطع شده و رشوه شایع می‌شود».

۳ - «در چنین موقعی خداوند مردی را از کنار دجله برای امور
حزب و گروه خود برمی‌انگیزد، که او را کینه توزی به خونریزی و ادار

می‌کند، که پیشتر آن کینه‌هایش در قفسهٔ سینه پوشیده بود. قومی را که از آنها خشمگین است و کینه‌شان را بر دل دارد، در سال «بختنصر» می‌کشد و آنها را زیر خاک مدفون کرده، از جام مرگ برایشان می‌سازد».^۲

۴ — «شیوهٔ او تازیانهٔ شکنجه و شمشیرهای گداخته است».

۵ — «آنگاه فساد و تباهی و کارهای مشتبه پیش می‌آید، به جز در

قطقطانیات (از شط فرات تا نجف اشرف) همراه با نشانه‌ها و رویدادهای پیایی، که پس از یقین شگ و تردیدها حاصل می‌شود».

این خطبه با زبان رمز و کنایه ایراد شده است و به صورت رمز به همهٔ رویدادهای ایام غیبت و دوران پیش از ظهور اشاره شده است. من در اینجا قسمتی از این معماها را در ۵ بخش توضیح می‌دهم و توضیح بیشتر را به کتاب مفصلی در این رابطه موکول می‌کنم، که در مورد وضعیت عراق پیش از ظهور خواهم نوشت، و اینک توضیحی کوتاه:

۱ — فراز اول اشاره به جنایات رژیمهای خونخوار و گرفتاریهای فرزندان زهرا (س) و اولاد پیامبر (ص) در برابر رژیمهای ستمگر است. که شامل جنایات رژیم ستمگر شاه مخلوع و کارهای ظالمانه‌ای است که علیه مردم ایران و بویژه علیه نوادگان اهل بیت (ع) و در رأس آنان امام خمینی حفظ الله صورت می‌داده است.

۲ — فراز دوم ممکن است به پیدایش حکومت اسلامی در دوران فساد و تباهی روی زمین باشد که به دست نواده‌ای از نوادگان اهل بیت که همان امام خمینی است صورت می‌گیرد.

۳ — فراز سوم می‌تواند بار رژیم حزب بعث و جنایات صدام خونخوار منطبق باشد که موجب کشته شدن هزاران بی‌گناه در داخل و خارج کشور و نیز جنگ با جمهوری اسلامی برای همگامی با اربابان خویش یعنی آمریکا و هم پیمانان منطقه‌ای آن می‌باشد.

۴ — فراز چهارم شاید اشاره به سرنوشت رژیم ستمگر صدام باشد

که در دنیا ذلت و خواری و در آخرت عذابی دردناک در انتظار اوست.

۵ - فراز پنجم شاید اشاره به اختلافات سفیان عراق و ایران باشد که به دنبال سقوط صدام حاصل آید و می‌تواند از یک سونتیجه «سم‌پاشی» محافل امپریالیستی باشد و از سوی دیگر در نتیجه جدایی شیعیان از رهبریت شرعی خویش در ایران که همان امام خمینی است حاصل شده باشد.

اینها نکاتی است که من با فهم قاصر خود از این خطبه پرمحتوای امیرمؤمنان (ع) می‌فهمم. ولی هرگز این تحلیلهای سطحی را شایسته تحقیق علمی در موضوع جالب و حساسی چون «ملاحم» (فتنه‌ها) نمی‌دانم، از این رهگذر تجزیه و تحلیل این حدیث را به کتاب دیگری که در صدد تألیفش هستم موکول می‌کنم، که انشاءالله در کتاب «المجتمع العراقی فیما قبل الظهور» از آن بحث خواهم کرد.

این آخرین بخش از مطالبی است که خواستم در این فرصت کوتاه در مورد دولت زمینه‌سازان بنویسم. عمداً مطالب را به اختصار برگزار کردم تا وقت گرانبهایت را بیشتر نگیرم. به دنبال فرصتی هستم که احادیث مربوطه را گردآوری کنم، ولی تاکنون توفیق نیافته‌ام، زیرا از یک طرف مشغول درس هستم و از طرفی مصیبت‌های وارد بر جهان اسلام در لبنان و عراق و افغانستان از طرف دشمنان اسلام، وقت اندیشیدن و مجال تحقیق نگذاشته است. در این رهگذر از نقایص موجود در این نوشتار پوزش می‌طلبم دوام توفیقات آن عزیز را از درگاه حق تعالی مسئلت می‌نمایم. امیدوارم خداوند ترا به عمل صالح و پیروی شایسته از شریعت مقدس اسلام و اهل بیت عصمت و طهارت موفق بدارد که خداوند آنها را از هر عیب و نقصی پیراسته نموده، با افتخار شهادت گرامی داشته، آنها را رهبران شایسته امت اسلامی قرار داده است.

بار خدایا ترا به روزهای بزرگی چون بعثت پیامبر (ص)، عاشورای

حسینی (ع) و ظهور مهدی (عج) سوگند می‌دهیم که در ظهور آن حضرت
تفجیل بفرما، ما را از شیعیان خالص و منتظران حقیقی آن «عدل منتظر»
قرار بده.

خداوندا! ترا به حق محمد و آل محمد (ص) قسم می‌دهیم، که
همه پیامبران عظیم الشان به هنگام گرفتاری دست توصل به دامن آنها دراز
کرده‌اند، گرفتاری ما را رفع کن، وضع ما را به بهترین حال برگردان، و
ما را بر همه دشمنان پیروز برگردان.

بارالها! ترا قسم می‌دهیم به حق برگزیدگان انبیا و اولیاء و
اوصیاء، از لغزشهای گذشته ما چشم بپوش، از هوا و هوس و پیروی نفس
بازمان دار، از زمینه‌سازان حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) قرار بده، و
اعمالمان را خالص برگردان، از ریا و ریاکاری بازمان دار، و موفق کن که
از بندگانت طمع سپاس و ستایش نداشته، فقط امید به پادشاهی بیکران
آن سرای داشته باشیم. و بهترین دروده‌های را بر اشرف کائنات حضرت
محمد (ص) و اهل بیت پاک و پاکیزه‌اش بفرست.

۱ / ربيع الأول / ۱۴۰۲ هـ. *

برادرت: مهدی فتلاوی

«قم»

* ترجمه این نوشتار، روز اول رمضان المبارک ۱۴۰۴ هـ. در حوزه علمیه قم به
پایان رسید. (مترجم).

برخی از منابع کتاب

- ۱ - اربعین ابونعیم، احمد بن عبدالله اصفهانی، متوفی، ۴۳۰ هـ. با شرح سید عبدالحجت بلاغی، چاپ تهران ۱۳۴۲ ش.
- ۲ - بحار الانوار، علامه محمد باقر مجلسی، متوفی ۱۱۱۰ هـ. چاپ ۱۱۰ جلدی تهران.
- ۳ - البرهان فی علامات مهتدی آخر الزمان، علی بن حسام الدین، متقی هندی، معروف به ملا علی قاری، متوفی ۹۷۵ هـ. چاپ قم ۱۳۹۹ هـ.
- ۴ - البیان فی اخبار صاحب الزمان، ابو عبدالله محمد بن یوسف گنجی شافعی، متوفی ۶۵۸ هـ. چاپ لبنان ۱۳۹۹ هـ.
- ۵ - سنن ابن ماجه، ابو عبدالله محمد بن یزید قزوینی، متوفی ۲۷۵ هـ. چاپ لبنان ۱۳۹۵ هـ.
- ۶ - سنن ترمذی محمد بن عیسی ترمذی، متوفی ۲۷۹ هـ. چاپ لبنان.
- ۷ - العرف الوردی، درضمن «الحاوی للفتاوی» جلد دوم ۵۷-۸۶، جلال الدین سیوطی، متوفی ۹۱۱ هـ. چاپ لبنان ۱۳۹۵ هـ.
- ۸ - عقد الدرر، یوسف بن یحیی مقدسی شافعی، از علمای قرن هفتم، چاپ قاهره ۱۳۹۹ هـ.

- ۹ - غیبت نعمانی، ابو عبدالله محمد بن ابراهیم بن جعفر، معروف به «ابن ابی زینب نعمانی»، از علمای قرن سوم، چاپ تهران.
- ۱۰ - فرائد السمطین، ابراهیم بن محمد جوینی، متوفی ۷۳۰ هـ. چاپ لبنان ۱۴۰۰ هـ.
- ۱۱ - کنز العمال، ملا علی قاری، متوفی ۹۷۵ هـ. چاپ لبنان ۱۳۹۹ هـ.
- ۱۲ - الملاحم والفتن، سید ابن طاووس، متوفی ۶۶۴ هـ. چاپ پنجم لبنان ۱۳۹۸ هـ.
- ۱۳ - منتخب الاثر، لطف الله صافی، چاپ سوم تهران.
- ۱۴ - المهدی الموعود المنتظر، نجم الدین جعفر بن محمدی عسکری، چاپ لبنان ۱۳۹۷ هـ.

«فهرست مطالب»

صفحه	موضوع
۵	پیشگفتار
۷	متن نامه
۱۱	* زمینه سازان در مشرق زمین به حکومت می‌رسند
۲۴	* دولت زمینه سازان حکومت امام زمان در کشورهای عربی تشکیل نخواهد شد
۲۹	* برپایی دولت زمینه سازان حضرت مهدی در خراسان
۳۷	* حکومت دولت زمینه سازان بر سراسر ایران
۴۲	* استمرار و ادامه دولت زمینه سازان تا ظهور حضرت مهدی (عج)
۴۵	* چه کسی دولت زمینه سازان را رهبری می‌کند
۴۸	* موضع‌گیری دولتهای شرق و غرب در برابر دولت زمینه سازان
۵۱	* مسئولیت مسلمانان در برابر دولت زمینه سازان
۵۴	* لشکریان و پاسداران دولت زمینه سازان از دیدگاه روایات
۵۴	— نام و نشانی آنها
۵۵	— دلیری آنها
۵۵	— پرچم ایشان و وابستگی آنها به حضرت مهدی (عج)
۵۹	* بخش پایانی نامه
۶۵	منابع تحقیق مترجم
۶۷	فهرست